

نبرد خلق

شماره ۳۱۹
دوره چهارم سال بیست و هشتم
اول بهمن ۱۳۹۰

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

بُتِ پوسیده

اعلیحضرت همایون

سید علی خامنه ای

مهدی سامع

در صفحه ۲

چه کسی از کاهش ارزش ریال

سود می برد؟

زینت میرهاشمی

در صفحه ۴

- آموزه اصلی جنبش وال استریت:

انطباق سازماندهی و تاکتیک با شرایط

- سوگواری و پیام تسلیت برای کیم

جونگ ایل نمودار سردرگمی دسته ای از

"چپ" ها

لیلا جدیدی

در صفحه ۷

شجاعت مقاومت یا

وقاحت تسلیم

شهره صابری

در صفحه ۱۴

جنگ علیه «باربی» در نظام

تبعیض جنسیتی

نگار الوندی

در صفحه ۱۴

چالشهای معلمان

در دی ماه

فرنگیس بایقره

در صفحه ۱۳

سرمقاله

بُحران ارز، وقتی پرده

ها بالا می رود

منصور امان

در صفحه ۳

سال ۲۰۱۱ در آینه بحران،

جنبش و انقلاب (۱)

جعفر پویه

در صفحه ۹

آب-باری بر دوش زنان-

حقوق بشر و سود شرکتها

(بخش اول)

برگردان: آناهیتا اردوان

در صفحه ۱۱

کانون ایرانیان آزادبخواه مونیخ به

مناسبت چهل و یکمین سالگرد

حماسه سیاهکل برگزار می کند.

سخنران: جعفر پویه از اعضای کمیته

مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران

برنامه هنری با:

گیسو شاکری

و فریدون رضمانی از کارگاه هنر ایران

زمان شنبه ۱۸ فوریه ۲۰۱۲ ساعت

۱۷.۰۰

Hansahaus, Brienner Str. 39,
80333 München

شنبه ۴ فوریه

۲۰۱۲

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

برگزار می کند

41مین سالگرد رستاخیز

سیاهکل

درهمبستگی با

بهار عرب و جنبش اشغال

وال استریت

سخنرانان:

زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری

ترانه سرودهای به یاد ماندنی

کارگاه هنر ایران

زمان: شنبه ۴ فوریه ۲۰۱۲ برابر با ۱۵

بهمن ۱۳۹۰

از ساعت ۴ بعد از ظهر تا آخر شب

مکان: آمستردام - هلند

Opne Hof

Burg Haspelslaan 129

1181 NC Amstelveen

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

بُتِ پوسیده اعلیحضرت همایون سید علی خامنه ای

مهدی سامع

این که بنا نداشته پس از توضیح قبلی اش مطلبی بنویسد، اما نمی تواند در مورد مقاله روزنامه کیهان بی تفاوت بماند در نامه خطاب به حسین شریعتمداری نوشت: «این مقاله را من نوشته ام و دشمن و یا کسی آن را به من القا نکرده است. من از افرادی نیستم که دیکته دیگران را به صورت سفارشی بنویسم. متأسفانه بعضی دوست دارند هر مطلبی را که نمی پسندند، کار دشمن و یا ضد انقلاب بدانند».

سرانجام روزنامه اطلاعات در شماره روز سه شنبه ۲۷ دی، با این توجیه که به محتوای یادداشت حسین علایی توجه نکرده، مجبور به پوزش خواهی شد و خبرگزاری دولتی مهر از دیدار شامگاه یکشنبه ۲۵ دی گروهی از فرماندهان سپاه با حسین علایی خبر داد. این خبرگزاری از قول مجید میر احمدی، معاون وزیر دفاع، اعلام کرد که در جلسه مذکور آقای علایی به خاطر انتشار این یادداشت از «علاقمندان به نظام عذرخواهی» کرده و به آنها گفته همچنان به خامنه‌ای «ارادت» دارد.

همچنان که در ابتدا نوشتم حسین علایی به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی اعتقاد دارد. اما در همان حال یادداشت ۱۹ دی وی و این که تاکنون حداکثر «ارادت» خود را به خامنه ای ابراز داشته، وی را باید از بریدگان از ولایت خامنه ای دانست که به ویژه از حمایت حداکثری ولی فقیه از محمود احمدی نژاد نگران و ناراضی است. او البته می داند که استبداد در مسیر تکامل خود هرچه بیشتر مُنقَبِط می شود و این نگرانی در شرایطی که علی اکبر هاشمی رفسنجانی ممکن است آخرین سنگر دولتی خود را از دست دهد جدی تر می شود.

اما واقعیت مهمتر از انگیزه حسین علایی در نوشتن یادداشت ۱۹ دی، موقعیت درهم شکسته ولی فقیه است. این واقعیت به تکرار این روزها خود را نشان می دهد. هیاهوی عمَله و آکره ولی فقیه نمی تواند پوسیدگی سلطنت مطلقه خامنه ای را پنهان کند. جامعه و مردم ایران در مقابل دو راهی تباهی و سیاست، راه مبارزه و قیام را انتخاب کرده اند. تجربه قیام ۶ دی سال ۱۳۸۸ (روز عاشورا) نشان داد که مردم می توانند با قیام خود بر شرایط تباهی غلبه کنند.

خوردن را پاس نمی‌دارد و نمکدان شکسته است..... امروز افتخار و آرزوی رهبران و پیشقراولان حرکت‌های مردمی بوسه زدن بر بازوان رهبری است، شما مشغول جنگ اندازی به این چهره عزتمند و ایجاد تردید در این مسیر الهی هستید». ۱۲ پاسدار نویسنده نامه سوال کرده اند که چه کسی «بی‌انصافیایی که در حق انقلاب اسلامی و رهبری فرزانه آن کردید، احساس خوشنودی می‌کند؟»

به نکات بالا نامه نگارهای محمد

اوباش خود راه البته تابخردانه، علیه وی بسیج کرده است. ولی فقیه با فرستادن لباس شخصی‌هایی که فقط از بیت او فرمان می برند و طرح شعارهایی همچون «همراهی حسین علایی با جریان فتنه»، «سردار بی‌بصیرت، بصیرت بصیرت»، «علایی ننگت باد، شرمت باد»، «سردار بیدار شو»، «سردار حسین علایی مرود است» و ... پیام متقابلی برای حسین علایی ارسال کرد. دو نکته دیگر هم می تواند دلیلی بر این امر باشد که



نوری زاد و حرف عماد افروغ در تیرماه امسال در مصاحبه باخبرآنلاین که گفت: «به تدریج داریم ولایت فقیه را شاه می کنیم» را هم می توان اضافه کرد و نتیجه گرفت که بُتِ پوسیده سلطان ترک برداشته است.

حمیدرضا مقدم، معاون فرهنگی سپاه پاسداران روز پنجشنبه ۲۲ دی در یکی از مساجد تهران گفت: «رهبری به این علت شرایط بدر و خیر را یادآوری کرده و تذکر دادند که برخی از مسئولان خسته و مرعوب» شده‌اند.

به دنبال تهاجم ذوب شدگان در ولایت خامنه ای علیه حسین علایی، وی طی توضیحی بدون آوردن اسم خامنه ای و آوردن اسم خمینی تأکید کرده که «قصده نداشته است نظام شاهنشاهی را با نظام جمهوری اسلامی مقایسه کند».

وانشاءالله همچنان بر این صراط مستقیم استوار خواهیم بود». در مقابل این توضیح حمید رضا ترقی، از گردانندگان باند مولفه اسلامی در یادداشتی نوشت: «زمانی که مطلبی نوشته می شود و کاملاً مشخص است که کنایه های آن متن خطاب به کیست، توضیح معنا ندارد. توجیه کردن نیز ناشی از فشارهاست».

حسین علایی همچنین در پاسخ به نوشته حسین شریعتمداری با تأکید بر

خطاب یادداشت حسین علایی کسی جز خامنه ای نبوده است. در ۱۷ دی سال ۱۳۵۶ یادداشتی به قلم احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات منتشر شد که آن یادداشت نقش یک جرعه به بشکه باروت نارضایتی انباشت شده مردم بازی کرد. مقاله حسین علایی ۳۴ سال بعد در سالگرد قیام ۱۹ دی سال ۱۳۵۶ در همان روزنامه چاپ می شود. در آن مقاله روح الله خمینی مورد تهاجم قرار گرفته بود و در مقاله حسین علایی و در تحلیل اشتباهات محمد رضا شاه کدهایی به کار رفته که فقط می تواند در مورد سید علی خامنه ای صادق باشد. برای مثال استفاده از ترم «اردو کشی و زورآزمایی خیابانی» که از طرف خامنه ای در روز جمعه ۲۹ خرداد سال ۱۳۸۸ بیان شد و یا «حصص کردن بعضی بزرگان» و «اتهام زدن به مردم که خارجیا عامل تحریک شما هستند» که این ترمها ویژه دوران اخیر در ولایت خامنه ای است.

نکته دیگر متن نامه ۱۲ تن از سرکردگان سابق و فعلی سپاه علیه حسین علایی است. در این نامه خطاب به حسین علایی نوشته شده: «این مقاله بر زخم کهنه اهانت به انقلاب اسلامی و رهبری الهی آن که شیوه همیشگی و عاجزانه دشمن زخم خورده بوده نمک پاشیده... و ناروا و بی‌پروا حق نمک

یادداشت حسین علایی تفاوتی با «نوشته ای از یک ضد انقلاب دواتشه» ندارد و «احتمال سفارشی بودن آن دور از ذهن نیست». این جملات از نوشته روز دوشنبه ۲۶ دی حسین شریعتمداری در روزنامه کیهان، آرگان چماقداران ولایت فقیه است. قبل از این که به یادداشت ۱۹ دی پاسدار حسین علایی و واکنشهایی که در تقابل با آن صورت گرفت بپردازم تأکید بر این نکته را ضروری می دانم که به گمان من در اعتقاد حسین علایی به ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی جای هیچ گونه شک و شبهه ای وجود ندارد و اهمیت نوشته ۱۹ دی وی در همین نکته است. حسین علایی نقش مهمی در سپاه پاسداران و در دفاع از نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی به عهده داشته است. او موسس و اولین فرمانده نیروی دریایی سپاه و رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران بوده است.

پاسدار حسین علایی در بخشی از یادداشت خود که در شماره ۱۹ دی روزنامه اطلاعات منتشر شد می نویسد: «روز ۱۹ دی ماه سال ۱۳۵۶ سر آغاز قیامی مردمی و فراگیر است که ظرف حدود یک سال توانست شاه را از کشور بیرون کند و به نظام سلطانی ۲۵۰۰ ساله در ایران پایان دهد. اما این ماجرا خیلی ساده شروع شد و بهانه آن را خود حکومت فراهم کرد». در این یادداشت «متهم کردن مخالفان به اقدام علیه امنیت کشور»، «متهم کردن مردم معترض به اردو کشی و زورآزمایی خیابانی»، «توهین به شعور جمعی مردم»، «اتهام زدن به مردم که خارجیا عامل تحریک شما هستند»، «حصص کردن بعضی بزرگان در خانه های خود»، «تیراندازی به تظاهر کنندگان» و... از جمله اشتباهات شاه ارزیابی شده است.

نقل همین بخش از نوشته حسین علایی و به ویژه تاریخ و محل انتشار آن نشان می دهد که پیام پاسدار علایی خطاب به چه کسی است. به این یادداشت اگر نظر حسین علایی در مورد تحولات سوریه را که در مورد تداوم حمایت جمهوری اسلامی از رژیم بشار اسد هشدار داده بود و موضع گیری او در مورد شکنجه کاه کهریزک را اضافه کنیم به این نتیجه می رسیم که خامنه ای پیام یادداشت حسین علایی را به خوبی درک کرده و برای همین ارادل و

سرمقاله ...

بُحران ارز، وقتی پرده ها بالا می رود

منصور امان

ملی و سرنوشت مردم داشته باشد، ذهنیتی دارند؟
بُحران ارزی کُنونی نشان نمی دهد که "نظام" قبل از شکل گیری این وضعیت برای جلوگیری از آن تدبیرهایی داشته یا دست به اقداماتی در این جهت زده باشد، اما از این پس چه؟ آیا تدبیری برای اداره وضعیت نازل شده در کف دارد؟ آیا شاغلان، بیکاران، طبقه پایین، افسار مَتوسط و مُرفه می توانند به آقای خامنه ای اعتماد کنند که قادر است سنگی که به چاه انداخته را خود بیرون آورد؟

برای یافتن پاسخ این سووالها، مَرور کوتاه واکنش حُکومت به وضعیت فعلی می تواند کلیدی باشد؛ اقداماتی که آنها را به دو دسته می توان تقسیم کرد:

۱- تدابیر سیاسی
۲- اقدامات پلیسی

تدبیرهای سیاسی با حرکت در جهت صرفه جویی در هزینه های ارزی دولت آغاز شد که بار آن را درجه اول شهروندان عادی باید به دوش می کشیدند. دولت ابتدا نیمی از سهمیه دو هزار دلار ارزی که مُتعهد شده بود به قیمت رسمی به مُسافران بفروشد را حذف کرد و ارزش مُسافرتی را به هزار دلار کاهش داد. به این ترتیب، حُکومت به طور رسمی مُسافران برای تامین ارز مورد نیاز خود به بازار آزاد حواله داد.

در همین حال، چند روز پس از آن که شعبه های ارزی بانکها به بهانه های گوناگون از پرداخت ارز دانشجویی خودداری می کردند، بانک ملت در یک بخشنامه رسمی اعلام کرد که پرداخت ارز دانشجویی را مُتوقف کرده است. این بخشنامه افزوده بر دانشجویان، بیماران را نیز از جمله گروهی مُعرفی کرد که به پرداخت ارز به قیمت دولتی به آنها متوقف شده است.

یک تحرُک سیاسی برجسته در این زمینه را مجلس مُلاها از خود نشان داد. نهاد قانونگذاری حُکومت با چند هفته تأخیر سرانجام اعلام کرد که در ۱۸ دی جلسه مُشترکی را با شماری از اعضای دولت به منظور "نجات اقتصاد ملی" برگزار خواهد کرد. این نشست اما به سند دیگری برای نمایش ناتوانی "نظام" در اداره وضعیتی که به وجود آورده، تبدیل شد. ساعاتی بعد از اعلام تصمیم برداشتن این گام بزرگ برای "نجات اقتصاد ملی"، مجلس عُذر خواست که به دلیل شرکت نکردن وزیران اقتصاد و صنعت و معادن و نیز رئیس بانک مرکزی در نشست مزبور، موضوع مُنتفی شده است. پیام این تلاش عقیم مانده به "بازار" و مردم بقیه در صفحه ۴

گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، از محل صُدور نفت خام، مبلغ نجومی ۵۰۵ میلیارد دلار را در بر می گیرد.

محل کُنونی دفن این گنج افسانه ای، یکی از مَعماهای بسیار سرگرم کننده نظام ولایت فقیه است. فراکسیونها و دسته بندیهای رقیب در دستگاه قدرت کاملاً با یکدیگر موافق هستند که نیم تریلیارد دلار درآمد نفتی "گم شده" یا دستکم، "چگونگی هزینه" آن "نامعلوم" است. موضوعی که آنها در آن با هم توافق ندارند، هُویت عامل و مُتهم اصلی این ابهام غلیظ مالی است. راست سُستی، دولت نظامی-امنیتی را نشان می دهد. دولت، به نوبه خود به بیت "آقا" و "برادران قاچاقچی" اشاره می کند و آقای خامنه ای هم به هر دو دسته ی روی سن کنایه می زند. با این وجود، رفتار بسیار مُحیطانه طرفین با یکدیگر و موش و گربه بازی بر سر این دزدی میلیاردی و آن اختلاس هنگفت نشان می دهد که حق با همگی آنها ست؛ غارت درآمدهای ۶ ساله یک کشور نفت خیز، از عهده یک دسته و محفل به تنهایی بر نمی آید.

راه حل‌های حُکومت

بنابراین، از آنجا که نگاه آقای خامنه ای و شرکایش از لبه بُشقاب پُر خود فراتر رفته و از ترتیبات میز غافل مانده، راه دیگری نیز جُز واکنش دادن به رویدادها برای آنها باقی نمی ماند. نمونه سقوط آزاد پول ملی، یک ویژگی هشدار دهنده در دستگاه سیاستگذار رژیم مُلاها با پیامدهای فاجعه بار برای جامعه و کشور را به روشنی به نمایش گذاشته است. حاکمان جمهوری اسلامی تصور روشنی از پیامدهای تصمیمهای خود ندارند یا چنان محسور داستان سربینها و گزافه گویی های خود شده اند که از مُحاسبه عقلانی این پیامدها ناتوان گردیده اند. آنها در تاریکی به سمت جلو شلیک می کنند و سپس به دُعا می نشینند و رجز می خوانند که عاقبت خوبی داشته باشد. از همین رو، دستگاه سیاسی-اقتصادی آنها نیز در برابر وضعیت موجودی که برایش "تازه" به حساب می آید، غافلگیر شده و به هم می ریزد.

اکنون آشکار گردیده که حُکمرانان کشور، در باب مرزهای اقتصادی که بُحران در مُناسبات خارجی می تواند گسترش یابد، نه ذهنیتی داشته اند و نه به طبع، طرحی برای رویارویی با آن می توانسته اند داشته باشند. حال پُرسش مَهم این است، آیا آنها پیرامون پیامدها و آثاری که تیز شدن لبه این بُحران و ادبیات جنگی شان می تواند برای منافع

از سوی دیگر، تکرار همین وضعیت در بازار فلزهای قیمتی نشان می داد که هراس از کاهش تدریجی اما ثابت ارزش ریال و عدم اعتماد به توقُف یا برعکس شدن این روند، تلاش برای نجات داراییهای ریالی و جایگزینی با منابع با ثبات همچون طلا را دامن زده است.

بُحران ارزی پیش بینی پذیر و قابل مهار

در حالی که زنگ تحریم بخش مالی "نظام" از بیش از ۴ سال پیش برای حاکمان ایران به صدا درآمده است و آنها از اکتبر ۲۰۰۷ (آبان ۱۳۸۶) تا کنون فرصت داشته اند برای ساعت صفر آماده شوند و تمهیداتی در برابر آن بیاندیشند، اما دستپاچگی و به هم ریختگی دستگاه حاکم به گونه ای است که گویی مورد اصابت صاعقه ای ناگهانی قرار گرفته است.

در تاریخ یاد شده، وزارت خزانه داری ایالات متحده برای اولین بار ۹ بانک و سه نهاد نظامی جمهوری اسلامی را به لیست سیاه تحریمهای خود اضافه کرد. بانکهای ملی، صادرات و ملت در ردیف موسسات مالی تحریم شده قرار داشتند و سپاه پاسداران و واحد تروریستی آن (قدس) و وزارت دفاع نیز نهادهای مشمول مُجازاتها را تشکیل می دادند. چند ماه بعد، اتحادیه اروپا نیز به این تحریمها پیوست و از جُمله فعالیت بانک ملی را به حالت تعلیق درآورد.

هیچکس بهتر از کارگردانان ماجراجویی هسته ای نمی توانست پیش بینی کند که چشم انداز این کشمکش چه خواهد بود و تحریمها به چه سمتی خواهد رفت، زیرا آنها قصد نداشتند به فعالیت ماجراجویانه هسته ای خود و بُحران آفرینی منطقه ای خاتمه دهند. برعکس، رژیم مُلاها به گونه فزاینده پیچ بُحران را به سمت بالا می چرخاند و صورت حساب آن را با صدور سه قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه خود در فاصله سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ (۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹) دریافت کرد.

بنابراین انتظار از آقای خامنه ای و همدستانش برای داشتن یک برنامه اضطراری به منظور مُدیریت وضعیتی که نشانه هایش را پیشاپیش خود راهی کرده بود، به طبع نمی بایست انتظار غیرمعقولی باشد. به ویژه از آن رو که حاکمان کشور منابع لازم برای مادیت بخشیدن به چنین برنامه ای را نیز در اختیار داشته اند. بر اساس آمارهایی که وزارت نفت و بانک مرکزی انتشار داده اند، درآمدهای ۶ ساله حُکومت در طول دو دوره برگماری آقای احمدی نژاد،

۱۰ سال پس از آغاز بُحران هسته ای جمهوری اسلامی، برای اولین بار تحریمهای بین المللی، رژیم ولایت فقیه را به سختی هدف گرفته است. اگر چه هنوز مُجازاتهای آمریکا و اروپا علیه سیستم بانکی و بخش نفت به اجرا گذاشته نشده، اما حتی تصویب فرمال آن از سوی آمریکا و چین تدارُک این تحریمها از سوی اروپا، آثار گسترده و ویرانگری بر اقتصاد کشور و بر شرایط زیست و کار میلیونها نفر به جا گذاشته است. حاکمان لاف زن همچون افسون شده هایی که در چشم مار خیره مانده اند، بر جا خشک شده اند و این سووال که آقای خامنه ای و شرکا با سیاستها و نقشه های خود قصد دارد کشور و مردم را به کجا ببرد، یک پاسخ مُستند دیگری یافته است.

منار بدون چاه

"نظام" در تمام طول این دوران، به گونه مُستمر بر آتش بُحران دمیده و - مُصفاًه باید گفت- از هیچ اقدامی برای تیره کردن مُناسبات خود با جهان خارج فرو نگذاشته است. حال پُرسش این است که آیا صحنه گردانان این بازی ویرانگر، تدابیری نیز برای پیامدهای پیش بینی پذیری که اقدامات شان بر جامعه و روابط اقتصادی حاکم بر آن خواهد گذاشت، اندیشیده و در اختیار دارند؟ واکنش آنها در برابر یک تأثیر روانی و نه حتی عملی تحریمهای جدید یعنی، سقوط شتابان ارزش ریال در برابر دلار و یورو و به گفته یک نماینده مجلس مُلاها "تبدیل پول ملی به کاغذ پاره"، نشانگر آن است که "آقا" سرخوشانه اول منار را دُزدیده بدون آن که لحظه ای وقت خود را برای اندیشه به یافتن چاهی برای پنهان ساختن آن تلف کرده باشد.

زمان کوتاهی پس از آن که رئیس جمهور آمریکا قانون مُصوب کنگره این کشور مبنی بر تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی و محرومیت داد و ستدکنندگان با آن از دسترسی به بازارهای آمریکا را امضا کرد، تلاطم در بازار ارز آغاز گردید و همراه آن، حُکومت به سُرعت مهار این بازار را که همواره به مدد دلارهای نفتی توان دستکاری در آن را داشت، از دست داد. هُجوم خریداران دلار و افزایش جهشی تقاضای این ابزار مبادله بین المللی، واکنشی طبیعی بر برابر احتمال قوی کاهش منابع ارزی بانک مرکزی و خالی شدن صندوقهای حاوی دلارهای حاصل از فروش نفت بود.

چه کسی از کاهش ارزش ریال سود می برد؟

زینت میرهاشمی

بحران ارز، وقتی پرده ها بالا می رود

بقیه از صفحه ۳
این بود که حکومت ابزار یا راه حلی برای چیرگی بر "سونامی قیمتتها" ندارد و سیل به راه افتاده، خود مسیرش را انتخاب خواهد کرد.

این ارزیابی را سردرگمی خیره کننده حکومت پیرامون آنچه که باید یا می تواند برای تخفیف بحران انجام دهد، به

گونه مستند تایید کرده است. زیگ زاگ در تعیین نرخ سود سپرده های بانکی و گنج سری در تعیین نرخ سکه، دو نمود از بی کفایتی و ناتوانی حکومت در یک فاصله زمانی کوتاه است.

از این رو شگفت آور نیست که چشمگیرترین اقدام سیاسی در برخورد به شرایط موجود پس از زبان بازی و لاف زنی را اقدامات پلیسی تشکیل می دهد؛ حرکتی که رهبران و پاپوران جمهوری اسلامی امید دارند اگر نه "اقتصاد ملی"، دستکم خود آنها را "نجات" دهد.

فهرست تدابیری در این جهت که به دستگاه قهریه تکیه داده اند و در خلال هفته های گذشته به آزمایش گذاشته شده اند، طولانی و گاه به همین اندازه ریشخندآمیز است. نبوغ اقتصادی "اقا" و داروگه هایش راه حلهایی چون مسدود کردن یک وبگاه اطلاع رسانی نرخ ارز تا فیلتر پیامکهای تلفنی حاوی واژه "دلار" را روی میز گذاشته است. در آخرین اقدامات از همین جنس و کیفیت، حکومت پس از لشکرکشی ناکام به فردوسی و استانبول، به "دارندگان ارز" اولتیماتوم داده است تا ۱۵ بهمن ارز خود را به بانکها تحویل دهند!

برآمد

هر گاه به تلاش دیوانه وار و بدون توقف حکومت برای تامین اقتدار خود در جامعه و به اطاعت واداشتن یا خشی کردن آن نگریسته شود، به نظر نمی رسد کسانی که انتظار معجزه از این امامزاده را دارند، در اکثریت باشند. بنابراین بحران اقتصادی کنونی و ناکارآمدی مشهود و فاجعه بار رژیم ولایت فقیه، صورت حساب آن را نزد اقتدار و طبقات جامعه سنگین تر و موعود پرداخت را نزدیک تر می کند. اما اقلیتی که به راستی گزافه گوئیهای حاکمان را باور کرده و با کمی خودفروبی و اندکی رشوه، همه چیز را زرین و رنگین دیده است نیز امکان نظر انداختن به پشت صحنه را یافته است.

افشا کرد. به گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد روز ۱۰ دی، در همایش پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفت: «قاچاقهای کوچک لنجهها و یا قاچاقهایی که از طریق قاطرها در برخی مرزهای کشور صورت می گیرد قاچاقهای اصلی نیستند. قاچاقچیان اصلی در تهران و در مراکز استانی و به صورت شبکه ای هستند که باید آنها را مورد هجوم قرار دهیم».

بر گردیم به وضعیت ارز و این که چه کسانی از افزایش بهای ارز در برابر دلار سود می برند. فروش دلار دولتی در بازار یک منبع درآمد برای دولت است. نقدینگی که از این طریق به دست می آید افزون بر نقدینگی موجود، هنگامی که در مدار تولید قرار نمی گیرد افزایش تورم را به همراه دارد. علاوه بر این وارد کنندگان عمده کالا که یا دولتیهها هستند و یا باندهای نزدیک به قدرت با خرید دلار با نرخ دولتی سودهای کلانی به جیب می زنند و در همان حال تولید داخلی را با چالش و در نهایت با توقف مواجه می کنند.

در اقتصاد بیمار که سران رژیم با استفاده از هر فرصت از طریق اختلاس و یا گونه های دیگر ثروت مردمی را به خارج منتقل می کنند، برایشان صرف دارد که پولشان را در شکل سکه طلا انباشت کنند. زیرا ارزش آن مرتب افزایش می یابد و انتقال آن برایشان آسان تر و با صرفه تر است. رئیس اتحادیه کشوری طلا و جواهرات در مصاحبه ای با ایسنا روز شنبه ۲۴ دی گفت: «هر کسی امسال طلا و سکه خریده تا الان ۷۰ درصد سود کرده حال چطور پول خود را در بانک می گذارد».

در ماههای آینده تاثیرات کاهش ارزش ریال هر چه بیشتر در وخامت وضعیت مردم خود را نشان می دهد. تحریم بانک مرکزی یکی از عواملی است که فساد اقتصادی پنهان را به رو آورد. ثروت ملی مردم که منبعی برای زیست و ادامه حیات حکومت بود به مخاطره افتاده است. طبیعی است که اوضاع چنان وخیم است که کاپیتان کشتی زهوار دررفته حکومت هم کاری از دستش بر نمی آید. همین طور کمیته بررسی احمدی نژاد هم نخواهد توانست چاره ای بیاندیشد.

با توجه به این که نرخ واقعی تورم که بانک مرکزی اعلام می کند واقعی نیست، حقوقی که بر این پایه تعیین شود واقعی نخواهد بود. افزایش سرسام آور نقدینگی، سقوط ارزش ریال و افزایش نرخ تورم که بسیار بیشتر از ۴۰ درصد بقیه در صفحه ۵

ارزی ما آن قدر زیاد است که هیچگاه در طول تاریخ به این میزان نبوده و ذخیره طلای ما برای ۱۵ سال بس است». در شرایط فعلی با توجه به تحریم بانک مرکزی و پایین آمدن ارزش ریال، داد و ستدی خارجی رژیم که معمولاً با دلار پرداخت می شود با مشکل جدی روبرو می شود.

بر اساس داده های اماری، در دوران احمدی نژاد بیشترین درآمد از فروش نفت و گاز وجود داشته است، در حالی که در همین دوران دولت بیشترین کسری بودجه را داشته و تورم افزایش پیدا کرده است. شاخص تورم افزایش غیر متناسب بهای کالاها و خدمات مصرفی نسبت به درآمد مردم است. یکی از علت های افزایش تورم رشد نقدینگی است. به ویژه در اقتصاد رانتی ایران، نقدینگی در حوزه تولید و صنایع جریان پیدا نمی کند و بر همین منظر با تموم شدن بخش دلالی و افزایش رکود در بخشهای تولیدی، بیکاری، فقر و تنگدستی افزایش یافته است.

در ساختار اقتصاد شبه دولتی و نظامی موجود، خالی شدن سفره کارگران و مزدبگیران، با پر شدن جیب دلان و سرمایه داران حکومتی همراه است. در حقیقت ثروت از بین نمی رود بلکه با سرعت بیشتری جا به جا می شود. در یک ساله اخیر شکاف طبقاتی و جابه جایی ثروت عمومی به نفع عده ای محدود افزایش پیدا کرده است. عده ای وضعشان بهتر می شود و جمعیت کثیری فقیرتر می شوند.

اوضاع اقتصادی آنچنان وخیم است که عسکروالادی، هفتمین ثروتمند ساکن ایران، چشم اندازی تیره و سیاه را تصویر می کند. رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین روز ۲۲ دی گفت: «با توجه به واردات کالا با دلار ۱۶۰۰ تومانی و مشکلات تولید، در ۶ ماه آینده با کمبود بسیاری از کالاها و قحطی در کشور مواجه خواهیم شد که برای تهیه آنها یا باید متوسل به قاچاق شویم و یا این که هزینه بسیاری بابت قاچاق بپردازیم». البته هفتمین مرد ثروتمند این بار کمی دلش برای مردم سوخته وگرنه ثروتهای او در دوران قحطی بیشتر خواهد شد و وی خودش را در برابر بیماری قحطی واکسینه کرده است.

امر «مقدس» قاچاق هم معلوم است در دست چه کسانی است. در دعوی جناحی وقتی احمدی نژاد زیر رگبار انتقادهای طرف مقابل قرار گرفت، بخشی از کارکرد «برادران قاچاقچی» را

پخش شیرینی توسط احمدی نژاد در سالگرد حذف یارانه ها (۲۸ آذر) که به بهای فقر و تنگدستی کارگران و زحمتکشان، رنگین شده بود به کام چپاولگران حکومتی و وابستگان به قدرت شیرین آمد. تبدیل ریال به کاغذی بی ارزش و پُرشدن جیب دلان رژیم، شیرینی آن را دوچندان کرد. قبل از این که وزیر امور اقتصاد و دارایی ارزش ریال را تعیین کند، ریال سقوط کرده و به ارزش واقعی خود در اقتصاد ورشکسته کنونی نزدیک شد.

سید شمس الدین حسینی در ۱۲ آذر از اجرای تحولات اقتصادی صحبت کرد. وی ادعا کرد که «ارزش گذاری پول ملی» در ادامه کامل شدن «هدفمندی یارانه ها» در دستور کار و به زودی اجرا خواهد شد.

چندی از حرف احمدی نژاد در روز ۲۸ آذر نگذشته است که فقر بیشتر در لابلای کاغذ بی ارزش ریال به دستان کارگران و مردم زحمتکش ایران به عنوان «حق» تحویل داده شد. مردم با ریال بی ارزش دستمزد می گیرند و در بازار کالاهای مورد نیاز خود را با دلار باید خریداری کنند.

احمدی نژاد در سالگرد اجرای حذف یارانه ها، در سخن پراکنی خود با تاکید بر این که «دولت حق هر ایرانی را به خودش پرداخت کرد» وعده داد؛ «حق مردم را در جیب خودشان می گذاریم». در حساب و کتاب زورمداران آدرس جیبها دارای پلاک و نشانی ثبت شده نیست و احمدی نژاد خودش با آگاهی از آدرسی که پولها به آن ارسال می شود، «حق» آنان را پرداخت می کند.

وی در حالی که شرایط اقتصاد را «آرام و با ثبات» توصیف کرد با بی شرمی گفت: «مشکلی نداریم». این حرفهای پوچ در حالی بیان می شود که در عرض یک ماه آن چنان ارزش ریال کاهش پیدا کرد که ساکنان کشتی ورشکسته ولایت فقیه، وحشت زده شدند. در این لرزش کشتی حکومتی، هر کدام از ساکنان، مدال بانزدگی در سیاستهای اقتصادی و سقوط ریال را به گردن دیگری آویزان می کنند. بهمنی رئیس بانک مرکزی در جلسات مربوطه شرکت نمی کند. احمدی نژاد کمیته ای برای پایین آوردن ارزش دلار ترتیب داده و رئیس آن را وزیر اقتصاد تعیین کرد؛ در حالی که بهمنی رئیس بانک مرکزی خود را در این جایگاه می دانست. بر اساس برخی از شایعات، بهمنی هم به بیماری قهر مبتلا گردید و از دیده ها پنهان شده است.

احمدی نژاد در شعارهای پوشالی خود، در روز ۲۸ آذر ادعا کرد که: «ذخایر

چه کسی از کاهش ارزش ریال سود می برد؟

بقیه از صفحه ۴

پیش بینی عسگراولادی است، زندگی کارگران و مزدبگیران را به تباهی می کشد. در چنین شرایطی تعیین حداقل دستمزد باید با نرخ واقعی تورم و روند رو به رشد آن تعیین شود. آن چه مسلم است و تجربه تاکنونی هم نشان داده این است که هیچ یک از باند های حکومتی به فکر زندگی کارگران و مزدبگیران نیستند. این تنها خود کارگران و زحمتکشان هستند که می توانند با اتحاد، مبارزه و همبستگی به حقوق پایه ای عادلانه دست پیدا کنند.

برخی از مهمترین حرکت های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ۱۳۹۰

*از روز سه شنبه ۲۲ آذر، رانندگان و کارگران مشغول به کار در آهن فروشی های واقع در کمربندی بهشت محمدی سندج به دلیل ممانعت راهنمایی و رانندگی از ورود آنها با بار آهن آلات به درون شهر و قرار دادن جریمه های سنگین و متوقف کردن ماشینها، دست از کار کشیدند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، این اعتصاب تا روز پنج شنبه ۱ دی ادامه داشت که این امر موجب بیکاری کارگران در بخش صنعت و ساختمان و به خصوص جوشکاران و آرماتور بندها شد.

*کارگران شرکت لوله نورد صفا در ادامه اعتصاب روز پنجشنبه اول دی، روز شنبه ۳ دی نیز تا پایان روز در اعتصاب بودند.

به گزارش انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، روز شنبه نصف حقوق شهروبر به کارگران پرداخت شد و کارفرما در عوض از کارگران خواست تا به اعتصاب خود پایان دهند. اما کارگران اعلام کردند که تا گرفتن مطالباتشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

*تعدادی از آمارگیری که در طرح نفوس و مسکن حقوق خود را دریافت نکرده اند روز یکشنبه ۴ دی در مقابل فرمانداری تجمع کردند.

به گزارش فارس این تجمع همزمان با آغاز ثبت نام از داوطلبان نهمین دوره انتخابات مجلس در مقابل فرمانداری تهران تجمع صورت گرفته است.



*کارگران مشغول به کار در شرکت پیمانکاری جهاد توسعه سد آزاد بنبر روز دوشنبه ۵ دی همچنان به اعتصاب خود ادامه دادند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، این کارگران از تاریخ ۱ دی تا ۳ دی ۱۳۹۰ به دلیل عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه دست از کار کشیدند که به آنها قول پرداخت حقوق داده شد که متاسفانه به دلیل اجرایی نشدن این امر، حدود ۲۲۰ نفر از کارگران مجدد دست از کار کشیده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند.

*کارگران پتروشیمی اروند که در پی اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر برای حذف شرکتهای دلال و همچنین تحقق بعضی خواسته های دیگرشان حدود سه هفته قبل اخراج شده بودند، روز سه شنبه ۶ دی بعد از دو هفته تلاش و پیگیری از طریق مجاری اداری و تجمعات اعتراضی همزمان موفق شدند به سر کارشان برگردند.

به گزارش انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، این کارگران در دوره اعتصابات اخیر کارگران منطقه ویژه ماهشهر شرکت فعال داشتند. طبق این گزارش این کارگران قبل و بعد از اخراج با عوامل کارفرما بارها ناچار به زد و خورد شده اند.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز شنبه ۱۰ دی حدود ۲۵۰ نفر از کارگران صنایع فلزی شماره یک (شرکت مصنوعات زرین تهران) با در دست داشتن پلاکاردی از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از عصر در خیابان مجاور این کارخانه در منطقه شاد آباد دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران بر روی این پلاکارد نوشته بودند: ما خواهان هیات مدیره، کار، دریافت سه ماه حقوق معوقه و واریز ۸ ماه بیمه خود هستیم. به دنبال این تجمع که باعث ترافیک سنگینی در خیابان منتهی به شاد آباد (بازار آهن) شده بود بازرسان اداره کار در میان کارگران حاضر شدند و با وعده پیگیری خواسته های کارگران از آنان خواستند به تجمع خود پایان دهند اما کارگران با اصرار بر تحقق فوری خواسته هایشان تا ساعت ۴ بعد از عصر به تجمع خود ادامه دادند.

کارگران این واحد تولیدی در سومین روز تجمع و اعتصاب خود روز دوشنبه ۱۲ دی از ساعت ۸ صبح تا پایان وقت اداری در خیابان مجاور این کارخانه دست به تجمع اعتراضی

زدند و با در دست داشتن پلاکاردی خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند.

*به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۱۲ دی، کارگران کارخانه مخابرات راه دور شیراز به منظور رسیدگی به مطالبات قانونی خود با ادامه تجمعات ۱۱ روزه خود، مقابل استانداری فارس دست به اعتراض زدند.

*به گزارش ایلنا کارگران کارخانه ریسندگی بافندگی قدس اصفهان روز دوشنبه ۱۲ دی در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.

روز چهارشنبه ۱۴ دی، ایلنا گزارش داد که: در پی اعتراض جمعی از اعضای تعاونی مسکن شرکت ریسندگی، بافندگی قدس اصفهان مقابل استانداری، طوماری جهت رسیدگی به استانداری تحویل شد.

*کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل روز دوشنبه ۱۲ دی در محل این کارخانه تجمع کردند و خواستار ۶ ماه حقوق معوقه و تعیین تکلیف کارخانه شدند. به گزارش رهسا نیوز، کارگران روز یکشنبه ۱۱ دی به استانداری مراجعه کرده و نامه اعتراضی خود را به استانداری و سپس به اداره کار تحویل دادند.

*کارگران کشت و صنعت شمال روز سه شنبه ۱۳ دی در رابطه با تعطیلی کارخانه در مقابل فرمانداری میاندوود اجتماع کردند. این کارگران روزهای گذشته نیز مقابل استانداری مازندران اجتماعاتی در همین رابطه داشتند. به گزارش مهر، کارخانه کشت و صنعت شمال به عنوان بزرگ ترین واحد تولید کننده روغن مایع و نباتی خاورمیانه در مازندران هفته ها است که به دلیل پرونده مالی سرمایه گذار اصلی آن با تعطیلی مواجه شده است.

مجتمع کارخانجات روغن نباتی کشت و صنعت شمال با مساحتی بالغ بر ۳۰ هکتار در منطقه سر سبز دشت ناز مازندران در ۱۵ کیلومتر از جاده ساری نکا در شهرستان میاندوود واقع است.

*روز چهارشنبه ۱۴ دی، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری گزارش داد که: حدود یک سال است که کارخانه کاشی و سرامیک گیلانا دچار بحران گردیده و کارگران این کارخانه در حال حاضر هفت ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند.

کارخانه ابتدای شهر منجیل (حدود ۷۰ کیلومتری شهر رشت) واقع شده و ۲۵۰ کارگر در چهار شیفت کاری مشغول به کار می باشند.

کاشی گیلانا متعلق به ۴ سهامدار خصوصی بوده که بیشترین سهامدار در حال حاضر مدیریت کارخانه را عهده دار می باشد.

بقیه در صفحه ۶

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در دی ۱۳۹۰

بقیه از صفحه ۵

هفته گذشته تعداد زیادی از کارگران در مقابل استانداری گیلان تجمع نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند اما پاسخ درست و قانع کننده ای از طرف مسئولان مربوطه دریافت نکردند. کارگران در آخرین اقدام خود برای بدست آوردن حقوق معوقه، تصمیم گرفتند در داخل کارخانه و پای دستگاهها اعتصاب نموده و تولید را متوقف کنند و در پی این اقدام، کارفرما مجبور شد بخش بسیار ناچیزی از حقوق کارگران را پرداخت نماید تا کارگران راضی شوند مجدد به کار خود بازگردند.

*کارگران شرکت‌های پیمانکاری در پتروشیمیهای ماهشهر پس از ده ماه کشمکش و مبارزه و اعتصاب به موفقیتی عملی در راستای تحقق خواسته‌هایشان دست پیدا کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، جلسه مشترک نمایندگان کارگران شرکت‌های پیمانکاری پتروشیمیهای ماهشهر با رئیس این مجموعه ها در روز یکشنبه ۱۸ دی منجر به موافقت رئیس این مجموعه ها با بخشی از خواسته های کارگران شد و پس از آن بخشنامه افزایش دستمزد کارگران شرکت‌های پیمانکاری مجموعه پتروشیمیهای ماهشهر صادر و بلافاصله مبلغ افزایش یافته مربوط به آذر ماه به حساب کارگران واریز شد. به این ترتیب کارگران شرکت‌های پیمانکاری پتروشیمی بندر امام و پتروشیمیهای منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر موفق شدند پس از نزدیک به ده ماه کشمکش و دو اعتصاب قدرتمند و بزرگ و اقدامی متحدهانه برای شروع اعتصابی دیگر، به موفقیتی مهم دست پیدا کنند. لازم به ذکر است که این کارگران قبلاً اعلام کرده بودند که چنانچه تا روز ۲۰ دی خواسته‌های آنان بر آورده نشود در این روز اعصاب نامحدودی را آغاز خواهند کرد.

*روز شنبه ۱۷ دی، بازنشستگان ذوب آهن اصفهان در مقابل کانون بازنشستگی ذوب آهن تجمع کردند. به گزارش فارس، مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب آهن اصفهان گفت: بازنشستگان فولاد مبارکه و ذوب آهن به دنبال چرایی بدقولی مسئولان برای

دریافت مطالبات خود هستند. بازنشستگان ذوب آهن از آبان ماه سال جاری تاکنون حقوق خود را دریافت نکرده اند.

*به گزارش مهر، روز شنبه ۱۷ دی، کارگران نساجی مازندران با ایجاد راه بنان و برپایی تجمع و تحصن اعتراضی مقابل فرمانداری قائم شهر، خواستار دریافت ۱۸ ماه حقوق معوقه خود شدند.

*جمعی از اعضای شرکت تعاونی مسکن شهرداری بجنورد برای احقاق حقوق از دست رفته خود ظهر روز شنبه ۱۷ دی در مقابل استانداری خراسان شمالی تجمع کردند. به گزارش فارس، تعداد تجمع کنندگان بیش از ۵۰ تن بود و آنان از مسئولان استانداری تقاضای کمک و رسیدگی به مشکل خود را داشتند.

*روز شنبه ۱۷ دی کارگران ذوب فولاد ملایر، به دلیل عدم پرداخت شش ماه از حقوقشان دست به اعتصابی ۲۴ ساعته زدند. در حالی که ایلنا از اعتصاب کارگران ذوب فولاد ملایر خبر داد، مدیر این کارخانه ضمن تکذیب اعتصاب کارگران گفت: مشکل کوچکی بود که در صحبت با کارکنان حل شد و قرار شد حقوق معوقه آنان به صورت هفتگی پرداخت شود.

*کارگران مسکن مهر کامیاران روزهای ۱۷ و ۱۸ دی دست از کار کشیده و اعلام کردند تا زمان پرداخت حقوق معوقه به سر کار باز نخواهند گشت. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، کارگران مشغول به کار در این واحد چندین ماه حقوق دریافت نکرده و در حال حاضر ۳۰ نفر از کارگران و استاد کارهای این واحد به دلیل پرداخت نشدن حقوقشان در اعتصاب به سر می برند.

*روز یکشنبه ۱۸ دی، کارگران شرکت کربن صنعت در مقابل اداره کار شهرستان دهگلان تجمع کردند و اعلام کردند تا رسیدن به خواست و مطالبات خود به تجمع ادامه خواهند داد.

به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، شرکت کربن صنعت در شهرک صنعتی شماره ۲ واقع در پانزده کیلومتری دهگلان دارای ۷۰ کارگر است که ۵۰ تن از آنان کارگر ساده و ۲۰ تن دیگر اداری هستند. این شرکت وسائل پیش ساخته فایبر گلاس را تولید می کند.

*کارگران شرکت واگن سازی پارس اراک روز دوشنبه ۱۹ دی در اعتراض به عدم دریافت ۱۲۰ میلیارد تومان ترنس تولید شده این شرکت توسط راه آهن و تعویق حقوق پرداختی آنها در



*روز یکشنبه ۲۵ دی، جمعی از کارگران نی بُر کشت و صنعت کارون شوستر دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران فصلی که به کار تخصصی بریدن نی اشتغال دارند خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین افزایش دستمزد ماهانه خود هستند.

کارگرانی که در ماه گذشته به علت سوانح کار جان باختند

رضا کشاورز، کارگران پالایشگاه نفت بندرعباس
آقای ۴۰ ساله، کارگر کارگاه تولیدی پوشاک واقع در خیابان انقلاب
یک کارگر افغانی که به عمق چاه ۲۵ متری سقوط کرد
۶ کارگر در اثر ریزش ساختمان در حال احداث در تبریز
۳ کارگر در شیراز بر اثر سقوط آسانسور
کارگر ۳۰ ساله به دلیل برق گرفتگی در قم
علی محمد حسین بیگی کارگر کارخانه نساجی یزد
هومن کارگران کارخانه سیمان در حال ساخت خمسه
کارگر ۲۴ ساله زیر غلطک دستگاه بافندگی کارخانه فرش در اصفهان

تعدادی از کارگران زندانی

ابراهیم مددی، نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه،
رضا شهبایی، صندوقدار و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد محمد جراحی، فعال سندیکایی و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری
شبت امانی، عضو موسس اتحادیه آزاد کارگران ایران،
مهدی فراخی شاندیز، معلم و فعال سندیکایی،
میثم نجاتی عارف، دانشجو و فعال سندیکایی در شرکت خودرو سازی سایپای تهران،
شاهرخ زمانی، عضو هیات موقت بازگشایی سندیکای نقاشان،
محمد حسینی، فعال سندیکایی در شهر فیروزکوه،
علی نجاتی عضو سندیکای هفت تپه بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال جنبش لغو کار کودک
شریف ساعدینا، عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران،
سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

مقابل ساختمان وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند.

به گزارش مهر، شرکت واگن سازی پارس هم اکنون ۱۲.۵ میلیارد تومان بابت ۱۲۰۰ کارگر به بیمه بدهکار است و همچنین بیش از دو سال است که دفترچه های درمانی کارگران این شرکت باطل شده و حتی برای بازنشستگان نیز حق بیمه پرداخت نشده است.

روز سه شنبه ۲۰ دی این کارگران در ادامه اعتراضات خود در مقابل مجلس تجمع کردند.

*به دنبال تعطیلی کل معادن شن و ماسه منطقه شرق اصفهان، صبح روز دوشنبه ۱۹ دی، ۱۰۰ تن از کارگران این منطقه در مقابل اداره کار و امور اجتماعی استان اصفهان تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران از روسای این اداره خواستار حمایت هر چه بیشتر شدند.

کارگران با بیان این که اشتغال در این منطقه تنها بر دو حوزه کشاورزی و واحدهای شن و ماسه استوار است تاکید کردند؛ با توجه به وضعیت آب، بارندگی و خشکسالی در منطقه شرق اصفهان کشاورزی از رونق افتاده و تمام امید مردم منطقه به واحدهای تولیدی شن و ماسه است.

*جمعی از کارگران شرکت قطعه سازی کرج روز چهارشنبه ۲۱ دی در مقابل مجلس رژیم تحصن کردند. به گزارش ایلنا، در این تجمع پلاکاردی خطاب به مسئولان در دست کارگران بود که بر روی آن نوشته شده بود: ما کارگران شرکت قطعه سازی فولادی کرج با بیش از ۲۰ سال سابقه کار به مدت ۱۰ ماه است که حقوق نگرفته ایم و این درحالیست که با این سابقه کار از کار اخراج شدیم.

*کارگران کارخانه ویتانا به دلیل تعویق ۴ ماه حقوق روز پنجشنبه ۲۲ دی در مقابل کارخانه دست به تجمع زدند. برات زارع که از کارگران شاغل در این واحد تولیدی است در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفت: کارگران این واحد برای حل مشکلات خود به همه مقامات و ارگانهای مسئول نامه نوشته اند اما متأسفانه هیچ پاسخی شنیده نشده است.

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۱۸)

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

- آموزه اصلی جنبش وال استریت: انطباق سازماندهی و تاکتیک با شرایط

- سوگواری و پیام تسلیت برای کیم جونگ ایل نمودار سردرگمی دسته ای از "چپ" ها

آموزه اصلی جنبش وال استریت: انطباق سازماندهی و تاکتیک با شرایط

طی ۴ ماه که از آغاز جنبش وال استریت می گذرد، مردم آمریکا یا از نزدیک و یا از طریق رسانه ها شاهد صحنه های حرکت سرکوبگرانه پلیس این کشور بوده اند. استفاده از اسپری فلفل، ضرب و شتم با باتوم، دستگیری و بازداشت صدها نفر در هر منطقه، جمع آوری چادرها و بسیاری از محدودیتهای دیگر.

فعالان جنبش وال استریت اما بر این اعتقادند که این اعمال سرکوبگرانه به دو دلیل نه به زبان بلکه، به سود این جنبش تمام شده است. نخست آن که اعمال سرکوبگرانه همواره ماهیت ضد مردمی و غیر دموکراتیک دولتها را افشا می کند و حقانیت جنبش را به اثبات می رساند. سپس، اعمال محدودگرانه نه تنها قادر به خاتمه دادن به جنبش نیست، بلکه موجب رشد آن می شود، زیرا معترضان به این امر که مبارزه سخت و طولانی است، آگاه می شوند و از این رو سازماندهی، استراتژی و تاکتیکهای خود را صیقل می دهند. جنبش وال استریت علاوه بر سرکوب باید با سرما نیز دست به گریبان می شد. زیر برف و باران در چادرهای نازک و به طور شبانه روزی در میدانها و پارکها بسر بردن کار آسانی نیست. اگر چه در بسیاری از شهرها، چادرها توسط پلیس برچیده شد، اما کوشندگان می گفتند، مهم نیست که در چادرها بمانند، مهم این است که در همان نقاط برگزیده تجمع کنند و جنبش را زنده و پویا نگاه دارند.

هنگامی که اشغال وال استریت در ماه سپتامبر ۲۰۱۱ در "زوکاتی پارک" واقع در شهر نیویورک به ابتکار یک گروه فعال کانادایی بنام "ادباستر" آغاز شد، فعالان این جنبش اعلام کردند که این "آغاز" است؛ آغاز آموزش و سازماندهی مردم برای اهدافی بزرگ و دراز مدت. این اهداف، پایان بخشیدن به کنترل دولت با پول و میلیتاریسم و جابجایی قدرت از بالا به پایین بود. معترضان گفتند، اشغال مراکز عمومی ایده ای است که زمان تاریخی آن فرا رسیده است.

دیری نپایید که در ۱۲۰۰ منطقه در سراسر کشور چادرها بر پا شد. این

جنبش به سرعت نیروی سیاسی تازه ای را ایجاد کرد و "معترض"، "فرد برگزیده سال" شد. جنبش اشغال درک می کرد که جابجایی قدرت بسیار بیشتر از اشغال این مراکز کار دارد.

در این باره فعالان جنبش در واشنگتن دی سی می گویند: "ما نیاز به سازماندهی در ۴ شکل داشتیم:

- ۱- تظاهرات مسالمت آمیز و مقاومت مدنی
- ۲- تحریم بانکها و موسسات مالی موجود که اقتصاد را در دست دارند
- ۳- ریختن طرحهایی جدی برای انتقال اقتصاد از دست کمپانیها و تبدیل آن به اقتصاد مردمی
- ۴- انتقال قدرت سیاسی به دست مردم"



فعالان اعلام کرده اند که بر اساس یک همه پرسی از تمامی کسانی که در اشغال "میدان آزادی" واشنگتن شرکت داشته اند، سازماندهی خود را از این پس این گونه ادامه خواهند داد:

۱- ادامه اشغال میدان آزادی:

دستاوردهای استقرار در این مکان چشمگیر بوده است. آنها می گویند: "ما نشان دادیم چگونه افراد گوناگون با تفاوتیهای اقتصادی، موقعیتی، نژادی و گرایش سیاسی می توانند در کنار هم زندگی و کار کنند و یک کمون را تشکیل دهند. استقرار در خیابان "پنسیلوانیا" که بین مجلس و کاخ سفید واقع شده به ما این فرصت را داد تا به هزاران نفر دسترسی پیدا کنیم. علاوه بر شعارها و بنرهای ما، روزنامه ما (واشنگتن پست اشغال) و گفتگو با مردم، پیام ما را رسانده است."

در زمستان تعداد افرادی که در چادرها می مانند، کمتر می شود اما این به معنای پایان کار نیست، بلکه فعالان از فرصت استفاده کرده و بدون وقفه

کمپینهای گوناگونی تشکیل داده اند. از جمله کمپین علیه شکنجه، کمپین علیه دادگاهها، کمپین آرزو (اشاره به سخنرانی معروف مارتین لوتر کینگ من آرزویی دارم) و غیره...

۲- خانه صلح و سازماندهی

مقاومت ملی: خانه ای از سوی یک زن و همسر وی به فعالان اهدا شده است که آن را "خانه صلح" نام گذاشته اند. تعدادی از معترضان "میدان آزادی" در "خانه صلح" مستقر شده و برای سازماندهی حرکت اعتراضی بزرگی به نام "اشغال ملی واشنگتن دی سی" که روز ۳ مارس برگزار می شود، مشغول به کار هستند. در این روز تمامی معترضانی که در کمپهای مختلف در

شهرهای گوناگون سراسر کشور فعالیت می کنند یا کرده اند، برای یک حرکت بزرگ اعتراضی به پایتخت می آیند.

۳- خانه مانع رینر:

عده ای دیگر از معترضان در یک مرکز دیگر برای سازماندهی آنچه که "اشغال

اقتصاد" و "اشغال رسانه ها" نامیده می شود، استقرار یافته اند. در این خانه، فعالان برای ایجاد یک ساختار اقتصادی دموکراتیک که آلترناتیو اقتصاد کمپانیهاست، فعالیت می کنند.

از آنجا که امسال "سال بین المللی تعاونیها"ی سازمان ملل است، معترضان برای ایجاد تعاونیهایی که

صاحبان آن کارگران هستند، تلاش می کنند. آنها اعلام کرده اند که مدل اقتصاد دموکراتیک در وب سایتها برای شرکت دادن کارگران در آن شروع به کار خواهد کرد. همچنین یک برنامه تلویزیونی نیز در دست تهیه قرار گرفته است. فعالان توضیح می دهند که هر دو خانه به صورت همیاری اداره خواهد شد و انتظار دارند که این طرح در سراسر کشور به تدریج رایج شود.

هر جنبشی که علیه استبداد و بی عدالتی مبارزه می کند، بدون شک با مقاومت ستمگران روبرو می شود. جنبش وال استریت برای مقابله با این مقاومت راههای تازه ای یافته و با نشان دادن اراده خود، بسیاری دیگر را به صحنه کشانده است. این است آموزه اصلی و گرانبهای این جنبش نو پا!

سوگواری و پیام تسلیت برای کیم جونگ ایل نمودار سردرگمی دسته ای از "چپ" ها

سوگواری و ارسال پیام تسلیت برخی از به اصطلاح مدافعین سوسیالیسم در مرگ کیم جونگ ایل، "رهبر عزیز" کره شمالی، یادآوری این امر که سوسیالیسم از دید ما چه تفاوتی با دیدگاههای این جریانها دارد و این تفاوت تا چه میزان دارای اهمیت است را ضروری می کند. این ضرورت از آنجا برجسته می شود که از یک سو مواضع این عده در برابر جمهوری اسلامی نیز بسیار همگون با سیاست "کره" ای آنها است و از سوی دیگر، برخی از راست گرایان فرصت را غنیمت شمرده تا با جا زدن این تفکر با سوسیالیسم، آن را خدشه دار کنند.



جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد
(۱۸)

بقیه از صفحه ۷
از آنجا که در سالهای گذشته به علت محدودیت شدید رسانه های کره شمالی، اخبار دقیقی از حکومت مرموز "کیم" ها به بیرون درز نکرده، بخشی از بازماندگان جنگ سرد از نوع ایرانی آن تا اروپایی و آمریکایی که زحمت تحقیق در این باره را به خود نداده اند، تنها به استناد خبرهای کاملا کنترل شده و محدود حکومتی، دچار خیالپردازی در مورد حکومت و رهبری این کشور شده اند. این عده در وب سایتی خود به هذیان گویی پیرامون اقدامات مهم و سوسیالیستی این دیکتاتوری موروثی و رهبر مقتدر و -از بسیاری جهات پریشان حال- آن پرداخته اند. آنها پیامهای تسلیت خود را با اهدای مدال "استقامت و ایستادگی" به حکومت "کیم جونگ ایل" روانه مزار این دیکتاتور که اکثریت مردم کشورش در فقر و تنگدستی و بدون ذره ای آزادی زندگی می کنند، کرده اند.

۲- **رژیم موروثی:** کیم، همانطور که قدرت را از پدر در سال ۱۹۹۴ به ارث برده بود، آن را به پسر خود منتقل کرد. پسر رهبر، "کیم جونگ اون"، به مدت دو سال در تمامی نشستهای مهم و رسمی پدرش شرکت کرده تا برای به دست گیری قدرت آماده شود. برای یادآوری به دسته ای که منتقد بوش و سوگوار کیم جونگ هستند، باید گفت، بیچاره بوش پسر که حتی به این حد هم از پدر آموزش ندیده بود!

۳- **میلیتاریسم:** "کیم جونگ" پس از مرگ پدر توجه و امکانات مالی وسیعی را صرف میلیتاریزه کردن کشور کرد و بدین صورت ساختار قدرت "حزب کارگران" را که پدر وی بر آن تکیه داشت، دور زد. این حزب از سال ۱۹۸۰ یک کنگره عمومی هم برگزار نکرده است.

"سلیگ هاریسون" در کتاب "بازی پایانی کره ای" می گوید: "استراتژی کیم در مورد ارتش این بود که ژنرالهای نسل قبل را با ژنرالهای نسل جوان به



نیست." طوری کلی جایجا کند تا بتواند کنترل کامل را به دست گیرد."

برخی از "چپ" ها از هژمونی ارتش در این کشور استقبال می کنند، زیرا تصور می کنند بدین صورت کره شمالی می تواند در برابر تهدید آمریکا پایداری کند و این را یک پرنسب سوسیالیستی به حساب می آورند. این عده توجه ندارند که در واقع هدف اصلی "کیم جونگ" تحکیم قدرت خود در صحنه داخلی

۱- **نابرابری:** این "رهبر عزیز" شخصا دارای در آمدی بسیار بالاتر از در آمد متوسط مردم در این کشور است، به طوری که هیچکس نمی تواند منکر رفاه کامل او و خانواده اش باشد. "کیم جونگ" همچنین امتیازات و امکانات برجسته ای به کمپانیهای بزرگ داده

بوده است. آنها رفتار دیکتاتور مابانه و ستمگرانه وی نسبت به مردم این کشور را بی اهمیت به حساب می آورند.

در سال ۱۹۹۹ حزب حاکم به رهبری "کیم" در بیانیه ای می گوید: "فلسفه انقلابی ما این است: ارتش همان حزب، مردم و دولت است."

افزون بر آن، "کیم جونگ" دانش تسلیحات هسته ای کره شمالی را به مثابه عاملی کلیدی برای حفظ قدرت و ابزاری در سیاست خارجی به کار برده است. رژیم کره شمالی همواره مورد سووظن بوده که بخشی از این دانش را در اختیار رژیمهای فاسدی همچون پاکستان، لیبی و جمهوری اسلامی قرار داده است.

۴- **مدد های اجتماعی:** برخی از شیفتگان سلسله پادشاه "کیم"، تکیه بر سیستم مدد های اجتماعی، آموزش و پرورش و مسکن مجانی در کره شمالی دارند و آنرا نشانه های سوسیالیسم می دانند. اما آنها بدین نکته توجه نمی کنند که تمامی نهادها تحت کنترل کامل دولت است و کارگران به شکل



دمکراتیک دولت را کنترل نمی کنند. گویا قدرت کارگری یک عامل مهم و تعیین کننده در سوسیالیسم نباید باشد!

"دیوید وایت هاس" در اینجا نیز پیرامون به تاکید مارکس و انگلس مبنی بر این که "معنی سوسیالیسم برنده شدن در نبرد برای دموکراسی است" و "رهایی طبقه کارگر به دست خود کارگران است"، اشاره می کند.

۵- **وضعیت اجتماعی:** خاندان کیم در طول دهه های، که بر کره شمالی حکمفرما بوده اند، مردم این کشور را از سنین خردسالی وادار کرده اند که به "کیم ایل سونگ"، بنیانگذار نظام حاکم و "کیم جونگ ایل"، رهبر محبوب این کشور، با نگاه مذهبی، فاشیستی ابراز علاقه کنند.

در کره شمالی، اینترنت به مفهوم، که در جامعه جهانی شناخته می شود، وجود ندارد و در عوض، شبکه داخلی ویژه ای راه اندازی شده است که کاربرانش در محدوده ای مشخص و مورد تایید نهادهای حاکم بر کشور می توانند به اطلاعات دسترسی داشته باشند. شبکه

تلفن به صورت بسیار محدود و ابتدایی، وجود دارد و تماس تلفنی با خارج می تواند مجازات مرگ در پی داشته باشد.

بر آورد می شود که سالانه نزدیک به سه هزار نفر از ساکنان کره شمالی، به کره جنوبی فرار می کنند و تمام آنها ماهها در کلاسهای ویژه دولتی حضور می یابند تا یاد بگیرند که چطور با فناوری و زندگی مدرن در قرن ۲۱ کنار بیایند. بی که از این کشور فرار می کنند و به کشور همسایه (کره جنوبی)، پناه می برند، این حس را دارند که گویی به سیاره دیگری پا گذاشته اند.

ترویج کیش پرستش شخصیت در یک کشور توتالیتر، کنترل و زیر نظر قرار دادن شهروندان، سرکوب پلیسی و نظامی که نیروهای آن بی وقفه در خیابانها تحت پوشش حفظ امنیت رژه می روند، اقتصاد کاملا مداخلاتی که قحطی و گرسنگی به بار آورده، فقدان کامل آزادیهای سیاسی و نقض تمام عبار حقوق بشر تحت حکومت ۱۷ ساله این "رهبر محبوب" را آیا می شود نشانه های سوسیالیسم به حساب آورد؟ در هیچیک از این موارد نشانی از سوسیالیسم که کنترل دموکراتیک توده

مردم بر دو امر پایه ای سیاست و اقتصاد را شامل می شود، دیده نمی شود.

روزانه بسیاری از زحمتکشان این کشور برای رهایی از وضعیتی که به رهبری "کیم" ها اداره می شود، دست به فرار از مرزها می زنند که یا دستگیر شده و یا به گلوله بسته می شوند. تنها پاسخ به یک سوال که شما برای چه کسی سوگواری می کنید، می تواند میزان سردرگمی این بخش از به اصطلاح "مدافعان سوسیالیسم" را روشن کند.

تصادفی نیست که احمدی نژاد، رییس جمهور دست نشانده خامنه ای، تاسف و تأثر جمهوری اسلامی از درگذشت "جناب کیم جونگ ایل، رهبر بزرگ جمهوری دموکراتیک خلق کره" را اعلام کرده و تحسین کنان، "تلاشهای بی بدیل وی را برگ زرینی در تاریخ آن کشور" می نامد زیرا نکات اشتراک بسیاری بین شیوه اداره دو کشور وجود دارد؛ همانطور که تشابهات زیادی بین مواضع این به اصطلاح چپها نسبت به حکومت ولی فقیه و کیم جونگ ایل وجود دارد.

سال ۲۰۱۱ در آینه بحران، جنبش و انقلاب

جعفر پویه

دست کشیدن از سرکوب و انجام اصلاحات بنیادین، کلماتی است که توسط دو طرف دستمالی می شود، اما تا کنون موفقیتی که بتواند علی عبدالله صالح را وادار به ترک قدرت و یا انجام اصلاحات بنیادین کند، برای مردم بدست نیامده است.

بحرین کشوری کوچک با سر و صداهایی بزرگ در این سال بود. لشکر کشتی عربستان صعودی به آنجا و کمک برای حفظ قدرت، مردم را عقب راند. خواست حکومتی شیعی که طرفداران رژیم ایران در بحرین آن را تبلیغ می کنند، باعث شده است تا دامن اعتراضات مردم توسط اینان تر شود و ترس از رژیم بنیادگرا و بحران ساز در صورت پیروزی جنبش مردم، توجیه گر سرکوب آنان گردد. اما بسیاری از مردم هنوز از خیابانها به خانه باز نگشته اند و کشاکش در بحرین همچنان ادامه دارد.

سوریه کشور دیگری است که توفان خشم مردم به آن رسید. دیکتاتوری موروثی خانواده اسد به هیچ وجه خیال کنار کشیدن از قدرت یا اصلاحات سیاسی و شنیدن صدای مردم را ندارد. رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا از سیاست سرکوب مردم در سوریه دفاع می کند و بر خلاف ادعاهایی که تا کنون مطرح می کرده و خود را الگوی مردم عصیان زده می نامید، نشان داد چیزی بیش از یک سرکوبگر بی وجدان و شرف نیست. ارسال اسلحه به سوریه، کمکهای نظامی و تسلیحاتی و امداد رسانی نیرویی و اطلاعاتی برای سرکوب مردم و راهنمایی برای کنترل سیستم ارتباطی و رد گیری و انقلابیون و قتل درمانی آنان از راهکارهای رژیم ولایت فقیه در همکاری با رژیم سوریه است. به دلیل بحران در مرزها، رابطه ترکیه و سوریه به تیرگی گرایید و مرزهای دو طرف محل نزاع و کشاکش شد. دفاع ظاهری ترکیه از جنبش مردم سوریه را می شود حاصل آن دانست. دفاع ترکیه از جنبش مردم در سوریه به شوخی ای شبیه است که دولت اسلامگرایی میانه رو ترکیه در دستور قرار داده است. دولتی که هیچ معترضی را در داخل کشور خود بی نصیب نمی گذارد و به قتل و کشتار کردها به شدیدترین شکل ممکن ادامه می دهد، حال مدافع مردم سوریه شده است با اشک تمساحی بر گونه تا این گونه در بین کشورهای اسلامی برای خود وجهه ای دست و پا کند. دولت ترکیه سعی می کند تا به کمک دیگران جای یکه تازیهای رژیم ایران با کمک دلارهای نفتی را با حرفهایی بی پشتوانه در منطقه بگیرد. به همین دلیل رقابتی تنگاتنگ بین دولت ترکیه و رژیم ولایت فقیه در جریان است. این رقابت و ظاهر سازی در منطقه باعث شده است که تا کنون کفه ترکیه بر کفه رژیم سیدعلی بچرید و نسبت به آن دست پیش را داشته باشد.

بقیه در صفحه ۱۰

نشینی کنند. به زیر کشیدن رژیم مستبد مبارک روزهای خوش و شادی در همه جهان به نفع جوانان و مردم مصر رقم زد. اما این شادی و شوق دیری نپایید و ثابت شد، انقلابهایی از این دست، بدون احزاب قدرتمند مردم و شرکت سازمان یافته سازمانها و نهادهای مدنی مردمی، می تواند به سرعت توسط سیاست بازان و دغلکاران بند و بست باز به یغما رود و سر مردمی که روزهای متمادی در میدان مبارزه تلاش کردند، بی کلاه بماند.

هنوز جهان درگیر چند و چون اتفاق مصر بود که لیبی آماج حمله جت‌های ناتو قرار گرفت. تنها یک قطعه نامه کم رمق سازمان ملل برای برقراری منطقه پرواز ممنوع کافی بود که فرانسویها با جت‌های جنگی خود آسمان و زمین لیبی را شخم بزنند و با بمب و موشک، قدرت قذافی را به چالش بگیرند. جامعه عشیرتی-قبیله ای لیبی با حداقل نهادهای مدنی به دلیل قدرت بی چون و چرای قذافی، به ناگهان از هم گسست و عناصر رها شده آن که بیشتر به صدای گلوله از تفنگهای اهدایی دلخوش داشتند تا عواقب سر و صدای آن، کاری کردند که پایان آن را خود هرگز نخواهند توانست حدس بزنند. کینه های قومی و قبیله ای به همراه چشم و هم چشمیهای بزرگ شده از سوی دیگران، با رقابت از پیش ساخته بین شهرهای قبیله نشین و قبیله های بیابان گرد، خیابانها و بیابانها لیبی را تبدیل به صحنه های فجیعی کرد که باور آن برای کسی که در قرن حاضر زندگی می کند، غیر قابل باور است. لوله های تفنگ، بی هدف هر جنبنده ای را هدف قرار داد. حتا حیوانات خانگی نیز به دلیل عبور از کوچه یا خیابان طرف مقابل مورد هجوم قرار گرفتند و در این حمام خون آنچه به چشم نیامد، مبارزه برای دموکراسی و به زیر کشیدن دیکتاتور بود. تفنگچیهای مسلح شده، بدون هدف تنها قتل و کشتار را می فهمیدند و خون تنها نشانی بود که از این اتفاق بر در و دیوار و خیابانها به جای ماند. هرچند معمر قذافی به شنیع ترین شکل ممکن توسط همین اوباش به قتل رسید، اما آنچه امروز نمی توان در مورد آن حرف زد و یا حدس و گمان به کار برد، موقعیتی است که لیبی در آن گرفتار است.

یمن با حضور دیکتاتوری که بازی در میدان سیاست را به خوبی می داند، همچنان در کشاکش است. مردم عاصی بارها صالح را وادار به کاری کرده اند که او هرگز در نظر ندارد انجام دهد. واگذاری قدرت، کناره گیری آرام،

به این دلایل می توان گفت که خطر فشردن گلوی این شاهراه ارتباطی توسط صاحبان انحصارات قدرتمند جهانی وجود دارد و امکان محدود شدن استفاده عمومی از آن به دلیل واقعیت یافتن پیوند جهان مجازی و حقیقی و خطری که می تواند از این سمت قدرتمداران و غارتگران را تهدید کند، هست. همکاری کمپانیهای بسیار معروف و صاحب نام عرصه تکنولوژی دیجیتال با دیکتاتورها و مستبدان بدنامی همچون علی خامنه ای و بشار عرصه، پول و منافع کمپانیهای انحصارگر از هر موضوعی برای آنها مهم تر است. توجه به سود بیشتر و درآمد بالاتر، توجیه گر همکاری نکبت باری است که دست سرکوبگران را در دست این شرکتها می گذارد؛ هنگامی که امکان رد یابی و شناسایی ارتباط یافته گان و کنترل مکالمات تلفنی و اینترنتی و رد یابی و تحت نظر قرار دادن آنان توسط توسط صاحبان تکنولوژی به سرکوبگران اهدا می شود تا جلو پیشروی قدرت مردم در استفاده درست از آن گرفته شود. زیرا هدف نهایی آنانی که این ابزار ارتباطی را در اختیار عموم قرار داده اند، سهولت بخشیدن به زندگی و ارتباط سریع تر و استفاده بهینه نبوده و نیست، بلکه منطق سود بیشتر، آنان را واداشته است تا با دروغی بنام خدمت به مردم، تولیدات خود را به بالاترین قیمت بفروشند و آن را تبدیل به یک ابزار همگانی نمایند. اما آنگاه که عدم استفاده دلخواه آنان از این ابزارها مشخص می شود، برای آنها فرقی ندارد که کنترل کننده کیست، سیدعلی یا بن علی، بلکه مهم پول و درآمد بیشتر است، که شمارگان صفر جلو اعداد اهدایی، چشم هر صاحب صنعتی را کور می کند. و این گونه آنان تبدیل به همکاران دستگاه اطلاعاتی و شکنجه گرانی می شوند که تن و روح جوانان آزادیخواه و ناراضی از دیکتاتوری و خشنونت را مورد تجاوز و شکنجه قرار می دهند.

این بزرگترین دوگانگی افشا شده سال ۲۰۱۱ در استفاده از تکنولوژی ارتباطات در جنبش مردم و صاحبان کمپانیهای تولید کننده بود.

اما از این که بگذریم، توفان برخاسته از تونس پس از درهم کوبی بنیان قدرت بن علی، راهی مصر شد و در میدان تحریر اردو زد. جوانان و مردم مصر، عاصی از دیکتاتوری موروثی شده حسنی مبارک، در یک رویارویی نفس گیر، بالاخره موفق شدند حکومت را به زانو درآورند و ارتش را وادار به عقب

سال پر تنش و پر سرو صدای ۲۰۱۱ به پایان رسید؛ سالی که تند بادهای خشم خروشان مردم، بسیاری از کشورها را درنوردید و در بعضی از آنها بنیاد قدرت را به کلی از جای درآورد. توفان زده های پرمدعای این سال اگر چه مدعی گذر از بحران هستند، اما نمی توانند تاثیر کلی اجتماعی-سیاسی آن را از دامن بزایند. منهای توفان خشم مردم، در این سال طبیعت نیز شاخ و شانه کشید و در بعضی از مناطق، قدرت تخریبگری خود را با همه توان به نمایش گذاشت. سونامی وحشت آوری ژاپن را درنور دید و آب هر آنچه در دسترس بود را در نرمترین شکل ممکن با خشونت کامل از جای کنده و با خود برد. همچنین، بحران اقتصادی دامن قدرتمندترین پولهای جهان یعنی دلار و یورو را گرفت و حوزه مالی یورو را زمینگیر کرد. توفان خشم مردم از منطقه خاورمیانه عربی عبور کرد و پس از چرخیدن در اروپا به آمریکا رسید، وال استریت را تسخیر کرد و پایه جنبشی نوین و تازه را گذاشت که بحث و گفتگوی بسیاری در مورد را دامن زده است.

هرچند بسیاری از بوقهای تبلیغاتی با ظاهری جانبدارانه اتفاقات منطقه خاورمیانه عربی را "شورش جوانان" در عصر حاضر معرفی کردند و با تلاشی پیگیر سعی کردند بین آن و شورشهای دهه ۶۰ اروپا همانندیهایی پیدا کنند، اما می توان گفت که آنها بیهوده سعی کردند تا پرده پوشاننده ای بر این حقیقت عیان بکشند که انقلابهایی که به تعویض رژیمهای استبدادی منجر شد، هیچ شباهتی به شورشهای دهه ۶۰ که مضمونی دیگر داشت و خواسته هایی دیگر، ندارد.

اگر به یک کلمه سال ۲۰۱۱ را سال انقلاب و دگرگونی توسط جوانان در کشورهای پیرامونی بنامیم، پر به بیراه نرفته ایم. این انقلابات نوین در عصر ارتباطات و تکنولوژی، جهان مجازی را به جهان حقیقی پیوند زد و اثبات کرد، به یمن توجه جوانان تحصیل کرده در مناطق بحرانی و استفاده بهینه و درست آنان از رسانه های دیجیتال، اتفاقی در جهان افتاده است که دیگر هیچ کس نمی تواند آنچه را می خواهد از دیگران پنهان کند و یا اخبار را آن گونه مخایره نماید که منافع صاحبان قدرت در خطر نیفتد. استفاده درست و دقیق جوانان از شبکه های اجتماعی آنلاین و مبادله سریع اطلاعات، اطلاع رسانی و خبردهی همزمان، سازمان دهی نیروها و جایجایی برق آسای آنها در غافلگیری نیروهای سرکوبگر، وحشت قدرتهای زورگو و صاحبان قدرت را رقم زد.

سال ۲۰۱۱ در آینه بحران، جنبش و انقلاب

بقیه از صفحه ۹

هر چند کشورهای دیگر منطقه به سوی شمال آفریقا به خصوص الجزایر، اندکی ساکت و کمتر جنب و جوشی به شکل بقیه در آنها دیده شده است. اما نمی توان تاثیر این اتفاقات را در آنها نادیده گرفت. علت انتظار را می توان سبک و سنگین کردن نتایج به دست آمده برای توفان زدگان از سوی دو طرف جبهه قدرت در این کشورها دانست.

اما رویدادها در منطقه خاورمیانه عربی کاملن فروکش نکرده بود که دامنه این گردباد توفانی به اروپا رسید. حاشیه نشینان عاصی انگلیس، جرقه ای به دامن باروت بغض فرو خورده شان زده شد و به یکباره خیابانهای لندن شاهد صحنه هایی گردید که هیچکس فکرش را هم نمی کرد. جوانان رنگین پوست لندن با توسل به اینترنت و تلفنهای همراه، صحنه های تجمع را به سرعت از منطقه ای به منطقه دیگر کشاندند و چنان در این عرصه برق آسا عمل کردند که پلیس کارکشته انگلیس تبدیل به تماشاگر عملکرد آنان شد. بغض فرو خورده نابرابری و فقر جوانانی که در حسرت لباس و کالاهای گران قیمت تنها تماشاگر ویتربنهای پر زرق و برق بودند، دامن فروشگاههای شهر را گرفت و در اندک زمانی، صحنه اعتراضات تبدیل به غارت فروشگاهها گردید. این دستبرد و غارتگری، باندهای سازمان یافته جنایی را نیز وارد میدان کرد و فرصت را برای پلیس عقب مانده از سرعت عمل جوانان فراهم آورد. به سرعت جنبش اعتراضی تبدیل به صحنه عمل باندهای سیاه شد و از غارت فروشگاهها به منازل شخصی مردم کشیده شد. دست روی دست گذاشتن آتش نشانی برای هرچه بیشتر بدنام کردن جنبش، آتش سوزیهای بزرگی را دامن زد. مقامات مسوول که در تعطیلات تابستانی بسر می بردند، به کشور بازگشتند و با دادن آماده باش به پلیس و نیروهای سازمان یافته، با تمام قوا وارد میدان شدند تا شکستی سخت را برای میدان دارانی که تبدیل به باندهای جنایی شده بودند، رقم زنند. دستگیریهایی گسترده و کور، دادگاههای سرپایی و محکومیتهای بزرگ و کوچک تنها به جرم حضور در خیابان، حاصل این اتفاق بود. مجرمهای حرفه ای و فرصت طلب گریختند و تنها جوانانی به تور پلیس افتادند که بی خبر از همه جا به تماشا یا همراهی به پیامهای کوتاه تلفنی به مناطق مورد نظر رفته بودند.

نتیجه این اتفاق بار دیگر عدم حضور قدرتمند تشکلهای اجتماعی به ویژه

سازمانهای مردم نهاد و عمومی که نه تنها ابتکار عمل بلکه هژمونی میدانی را در اختیار داشته باشند را به خوبی به رخ کشید. تنها سود از کنترل خارج شدن اعتراضها و تبدیل شدن صحنه های اعتراضات به غارت و آتش زدن محللهای عمومی، دست بالا پیدا کردن پلیس و دولتی بود که برای توجیه عمل و بی توجهی خود به افشار فرو دست نیازمند بهانه ای دندانگیر بود که فراهم گشت.

اما اعتراض به هم اینجا ختم نگردید و توفان اعتراضات بعد از گشت و گذار در بریتانیای -اندکی کبیر- به آمریکای شمالی رسید و در وال استریت اردو زد. مرکز مالی بزرگترین قدرت اقتصادی جهان و مدعی کدخدایی آن تبدیل به اردوگاه گروهی جوانانی شد که خشم و نفرت خود را از صاحبان پولهای تلنبار شده و بی توجهی آنان به مردم را فریاد می کردند. جنبشی که یکپارچه فریاد می زد "وال استریت را اشغال کنید!"، همچون جرقه ای به باروت خشم عمومی خورد و به ناگاه جنبشی اعتراضی، ابتدا ایالتهای آمریکای را درنوردید و سپس از آنجا عبور کرد و به اروپا باز آمد. جنبشی که از این سوی آب با بارقه های از امید به تغییر آغاز شده بود، در آمریکا تبدیل به کل شد و کلیت سرمایه داری و نو-لیبرالیسم حاکم را مورد عتاب قرار داد. چپها و کمونیستهایی که تا کنون وجود و حضور آنان حاشا می شد، دست بالا را پیدا کردند و به سازماندهی کف خیابان پرداختند؛ با توجه به این که این بار اجازه تبدیل جنبش به آلت دست اوباش و باندهای سیاهی که سرخ آنان در جاهایی معلوم قرار دارد، داده نشد.

"یک درصدیها" توسط "۹۹ درصدیها" مورد خطاب قرار گرفتند و اعتراض به محرومیت از امکانات آموزشی، فقر و بیکاری و بار کردن بحران مالی سرمایه داران بر دوش فقرا تبدیل به پرچم آنان شد. عملکرد سرمایه داری به زیر سوال کشیده شد و آینده نامعلوم میلیونها انسان که تحت تاثیر آثار زیانبار بحران ناشی از فشارهای روز افزون اقتصادی و مالی قرار دارند، مورد پرسش قرار گرفت. بیمه عمومی، رفاه اجتماعی و بهداشت مساله روز شد و بی عدالتی ای که سرمایه داری برای سود بیشتر بر جهان حاکم کرده، مورد بازخواست قرار گرفت.

این تظاهرات اعتراضی تبدیل به اردوهای شد که بیش از آن که شکل تحصن داشته باشند، مدرسه هایی برای آموزش و یاد گیری و یاد دهی است. افراد با تجربه تر وظیفه آموزش جوان ترها و انتقال تجربه های خود به آنان را به عهده گرفتند و جوانان با انتقال آموخته های خود، به کارگیری تکنولوژی برای ارتباط و آموزش و سرعت عمل را به عموم یاد دادند. لجن مال کردن این اردوهای ایستگاهی برای انتقال تجربه، در دستور کار بوقهای تبلیغاتی صاحبان قدرت قرار

گرفت و چادرهای آنان را محل رد و بدل مواد مخدر و یا انجام بزه اجتماعی و قانونی نامیدند. بار دیگر مهندسی افکار عمومی هنگامی که پلیس را در سرکوبی جنبش اعتراضی ناتوان یافت، وارد میدان شد تا آموخته های تاکتونی خود را به کار گیرد. گزارشگران مزدبگیر وارد کار شدند تا آنچه که به آنها دیکته شده را واقعیت جا بزنند و به شنوندگان و بینندگان دستگاه تبلیغاتی خود بقبولانند.

از فراز و فرود توفان خشم مردم در این سال که بگذریم، اتفاقات دیگری نیز به چشم آمد که مرور آنها می تواند مورد توجه قرار گیرد.

جایزه نوبل صلح این سال به سه زن تعلق گرفت. دو بانوی لیبرایی و خانم "نوکل کرمان" از یمن به طور مشترک برندگان نوبل صلح اعلام شدند. خانمها "الین جانسون سیرلیف"، نخستین زن آفریقا و "لیما گبوی"، فعال حقوق بشر، نوبل صلح را به طور مشترک به خانه بردند تا این سال نیز به نام بانوان صلح دوست رقم زده شود.

اما در عرصه های دیگر نیز در این سال زنان خوش درخشیدند. جنبشی که "بهار عربی" نام گرفت، زنان بی حقوق جامعه شهری مصر و یمن و تونس را به خیابانها کشاند. زنان فرهیخته ای که بار بخش بزرگی از این جنبشها را به دوش گرفتند تا اثبات کنند جامعه کنونی بدون دخالت و حضور آنان کم و کاستیهای فراوانی خواهد داشت. حضور پر رنگ این زنان در همه عرصه ها همچنان درخشید که چشم بسیاری را در اقصا نقاط جهان که درباره آنان به گونه ای دیگر فکر می کردند، خیره کرد. این که آیا این زنان می توانند سهمی درخور از کار و مشارکتی که در آن شرکت داشتند را دریافت کنند، هنوز در پرده ابهام قرار دارد. اما از هم اکنون می توان گفت، بازگرداندن این زنان به خانه و آسایش خانه نشین کردن آنان کاری است نشدنی، زیرا آتش افروزان خیابانها و درگیرشدگان رویارو با پلیس و سرکوبگران برای حقوق حقه خود را مشکل بشود به راحتی پس زد و وادار کرد که خواسته و حقوق خود را فراموش کنند. ترس و وحشت از همین زنان باعث شده است که حکومت تا مغز استخوان فاسد و مرتجع آل سعود در عربستان اعلام کند که زنان این کشور از سال ۲۰۱۵ حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در شورا های محلی عربستان را خواهند داشت. کوبیدن میخی چنین بزرگ در چشم حاکمان عصر بادیه نشینی عربستان را می توان پیروزی بزرگی دانست که حاصل ترس و وحشت آنان از توفان منطقه است تا امکان اصلاح و یا سرعقل آمدن آنان، که از قدیم گفته اند: نرود میخ آهنین در سنگ.

در برزیل، چریک چپ گرای زندانی چند سال قبل، خانم "دیلمار روسف" به

ریاست جمهوری این کشور رسید. او زنی محبوب در آمریکای لاتین است که مردم به او لقب "بانوی آهنین" داده اند. با ورود او به کاخ ریاست جمهوری، باشگاه رهبران سیاسی جهان به دهمین زن رییس جمهور خود خوش آمد گفت. انتخاب "دیلمار روسف" به عنوان یکی از رویدادهای برجسته این سال در تقویم جهان ثبت شده است. او همچنین نخستین زنی است که در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ اجلاس عمومی سازمان ملل را افتتاح کرد و گفت: "من کاملاً مطمئن هستم که این قرن، قرن زنان خواهد بود".

سال ۲۰۱۱ همچنین سالی است که همچنان فقر و فلاکت بالای جان زنان بسیاری از نقاط جهان است. هنوز در کشورهای توسعه نیافته و فقیر، بیشترین آمار مرگ و میر را زنان و مادران فقیر دارند. زنان با دستمزدی به مراتب پایین تر از مردان به کار گرفته می شوند و فرصتهای شغلی به شکل غیر عادلانه به آنان عرضه می شود. بر اساس یک ارزیابی، افغانستان پایین ترین نرخ متوسط عمر زنان را در جهان داراست. میانگین عمر زنان در این کشور حدود ۴۵ سال است. همچنین گزارش می شود که پس از افغانستان، کشورهای نیجریه، گینه بیسائو، یمن، چاد، جمهوری دموکراتیک کنگو، اریتره، مالی، سودان و آفریقای مرکزی، واجد بدترین شرایط برای مادران هستند.

از زشت و زیبایی جهان زنان که بگذریم، بحران اقتصادی و مالی بزرگ سال ۲۰۱۱ اتفاقی بود که گریبان منطقه پولی اروپا را گرفت. این بحران که با بدهی مالی یونان از سال قبل آغاز شده بود، ناگهان به مشکلی بزرگ تبدیل شد و منطقه مالی حوزه یورو را تا آستانه فروپاشی پیش برد. بسیاری این اتفاق را بی ارتباط با توفان خشم توده ها در منطقه عربی نمی دانند، زیرا حاصل سر ریز کردن بحران مالی آنها در کشور مادر و سیر معکوس گرفتن این رابطه باعث شد که حوزه مالی یورو نتواند برنامه ها و تراز مالی خود را آن گونه که می خواهد سامان دهد و منجر به معضلی بزرگ برای آن شد. معضل یونان در منطقه یورو در چهار چوب آن کشور نماند و به سرعت خود را گسترش داد. در اثر این رویداد مشخص شد، ایرلند و پرتغال، اسپانیا و ایتالیا مانند یونان گرفتار مشکلی مشابه هستند و حاشا کردن آن نیز در این موقعیت کاری دشوار است. ناتوانی در بازپرداخت وامهای تاکتونی "اصل و فرع آن" و کسری بودجه بالای دولتها مشکل بزرگ آنان است. ناتوانی کمیسیونهای مالی اتحادیه اروپا برای توافق بر راهکاری درست، پای نهادهای مالی دیگری همچون صندوق بین المللی پول و دو کشور مدعی یعنی، آمریکا و چین را به ماجرا باز کرد.

اینکه در آینده چه خواهد شد و حوزه بقیه در صفحه ۱۱

سال ۲۰۱۱ در آینه بحران، جنبش و انقلاب

آب-باری بر دوش زنان - حقوق بشر و سود شرکتهای (بخش اول)

نویسنده: زحل ایشیلیورت گوندوز (Zuhul Yeşilyurt Gündüz)

منبع: مانتلی رویو

برگردان: آناهیتا اردوان

بقیه از صفحه ۱۰

مالی یورو برای برون رفت از این مشکل چه راهکاری را پیش خواهد گرفت، سوالهایی است که پاسخ آنها در پرده ای از ابهام قرار دارد.

اما غیر از حوزه یورو، آمریکا نیز هنوز از زیر بحران مالی سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نتوانسته خارج شود و وضعیت کلی اقتصاد آن در زیر بار بحران مالی نامعلوم است. انگلستان یکی دیگر از حوزه های پولی است که با رکود روبروست و زاین در حالی که با بحران روبرو بود، درگیر پیامدهای بسیار سنگین سونامی و فاجعه اتمی فوکوشیما شد که وضعیت آن را پیچیده تر کرده است. آهنگ رشد قدرتهای نوظهوری همچون چین، هند و برزیل که امید را به منطقه تولیدات صنعتی بازتاب می دادند، کندتر از گذشته شده و از بحران سیاسی کلی جهان بی نصیب نماندند. امکان این که کندتر شدن آهنگ رشد به یک بحران فرا روید و آنها را درگیر وضعیتی وخیم کند، دور از ذهن نیست. به همین دلیل بسیاری نگران اقتصاد چین، بزرگترین تولید کننده صنعتی ارزان قیمت جهان هستند. با رکود این اقتصاد و درگیر بحران شدن آن، امکان این که سیل عظیمی کلیت جهان سرمایه را بر بگیرد، موضوعی است که بسیاری درباره آن اظهار نظر می کنند.

این که وضعیت اقتصادی و سیاسی در همه پهنه های جهان درگیر بحران است، واقعیتی است آشکار، اما شرایط در ایران و رژیم ولایت فقیه به حدی قابل باور می نماید. بسیاری از اهرمهای اقتصادی و مالی از کنترل دولت و پایوران آن خارج شده و ناتوانی در حل و فصل مشکلات و مدیریت بحران به خوبی قابل دیدن است. دست و پا زدن پایوران رژیم جمهوری اسلامی در زیر بار این بحرانها و هیاهو و تلاش برای صدور آن، راه به جایی نبرده است. همه تلاش رژیم برای بحران سازی یا درگیری محدود در خارج از مرزها و تلاش برای معرفی عامل بیرونی برای این مشکلات، تا کنون ناموفق بوده است. مردمی عاصی و ناراضی در زیر بار بحران اقتصادی و سیاسی دست و پا می زنند و رژیم برای حفظ قدرت مطلقه ی رهبر آن علی خامنه ای، هیچ امکانی را برای بقای خود از ذهن دور نموده است.

بقیه از صفحه ۱۰

پیامدهای خصوصی سازی آب

سازمانهای بین المللی، خصوصی سازی یا انحصاری کردن منابع آب را به عنوان نسخه ای برای حل همه مشکلات جانبی این ماده حیاتی مانند کمیابی، فصولات، مصرف بی رویه، آلودگی و تقویت شالوده سرویس دهی آب بهداشتی و سیستم فاضلاب و بازیافت امن و ایمن آب از آن، تجویز می کنند. اما در واقع مساله به گونه ی دیگریست. پیامد خصوصی سازی آب ویران کننده است. یک تحقیقات گسترده نشان داده است که خصوصی سازی آب نه تنها روند دسترسی به آب بهداشتی را برای همگان، به ویژه محرومان، افزایش نداده، بلکه به کاهش قیمت آب و کیفیت آن نیز یاری نرسانده است. بر اساس تحقیقات، تجاری کردن منابع و سرویسهای آبسانی سبب تشدید همه مشکلات در رابطه با آب شده است. برای مثال، با گشایش یک شرکت آب بطری در اندونزی در سال ۲۰۰۲ در فاصله ی فقط بیست متر دورتر از منبع اصلی آب، کشاورزان منطقه با مشکلات روزافزون آبیاری زمینهای خود مواجه شدند. چشمه های منطقه برای همیشه خشک شد و بسیاری از کشاورزان با از دست دادن شغل، دچار مشکلات معیشتی شدند. یا در نمونه ای دیگر، شرکت "کوکاکولا" بعد از بهره برداری بی رویه از ذخیره آبهای زیرزمینی منطقه "کراالا" واقع در کشور هندوستان و تبدیل این منطقه به کویر، زمینها را قطعه قطعه کرده و دوباره به دولت هند فروخت.

نهادینه شدن سیاست انحصاری سازی آب در هرمنطقه ای سبب شده که آب فقط به آنهایی که قادر به پرداخت هزینه گران آن هستند، عرضه شود و بیشتر برای فعالیتهای سودآور مورد استفاده قرار گیرد. به طوری که بیش از هفتاد درصد آب برای کشاورزی، بیست درصد برای فعالیتهای صنعتی و فقط ده درصد آن برای فعالیتهای خانگی استفاده می شود. در این میان صدای زنان که کمتر از مردان در نهادهای تصمیم گیری شرکت دارند، به گوش نمی رسد و میزان آسیب پذیری آنان به دلیل خصوصی سازی و کمبود آب، افزایش یافته است. از آنجایی که منابع و سرویسهای آبسانی بخش عمومی همچون بخش خصوصی در جستجوی سود یا حتی بازگشت کامل مخارج نیستند، بنابراین آب را به عنوان ماده ای حیاتی که می بایست در دسترس همگان قرار گیرد

بقیه در صفحه ۱۲

ترغیب می کند. از یاد نبریم که ریشه مفهوم خصوصی سازی از کلمه لاتین "خصوصی" که به معنای محروم کردن و بی بهره کردن عموم است، گرفته شده است. بانک آلمانی "کامرس بانک" لقب "نفت قرن بیست و یکم" را به آب داده است. "کامرس بانک" عنوان می کند که نود درصد منابع آب سالم در دست بخش عمومی می باشد که مانع اصلی برای توسعه ساختارهای سرویس دهی آب محسوب می شود. این بانک، سیاست شهرها و روستاها مبنی بر خصوصی سازی هر چه بیشتر



آب را ترغیب کرده و انتظار سود کلانی برابر با سیصد میلیارد دلار از این را دارد: "بازار آب پتانسیل بالایی برای توسعه دارد که قادر است، سود هنگفتی را نصیب شرکتهای بسیاری سازد." "دویچه بانک" نیز همین سیاست حریصانه را دنبال می کند و به آب لقب "طلای آبی" می دهد که به طور فزاینده ای در حال کاهش است. این بانک اضافه می کند که حتی امروز نیز آب نسبت به رشد جمعیت، کالایی نادر است که با توجه به شرایط، حیاتی تر خواهد شد. در همین رابطه "دویچه بانک" توضیح می دهد که شرط لازم برای سود آور بودن یک کالا، نادر بودن آن است. ناگفته پیداست که ابراز شادمانی "دویچه بانک" پیرامون کمبود آب، با افزایش جمعیت چقدر خوفناک است. تمرکز جهانی پیرامون خصوصی کردن منابع آب جهت افزایش سرمایه، بسیار فشرده می باشد. کمپانی فرانسوی "سویزو ویلیا" ("ویوندی" سابق) تا چندی پیش دو سوم از سرویسهای آب رسانی خصوصی در جهان را تحت کنترل خود داشت. درآمد کمپانی "سویزو" به تنهایی بیش از ۲۳۰ میلیارد دلار است که بیشتر از تولید ناخالص ملی بسیاری از کشورهایی می باشد که این کمپانی در آنها فعالیت دارد.

هیچ چیز حتی امکانات حیاتی برای نجات نسل انسان و حفظ زندگی و اکوسیستم در عالم جهانی شده، از استثمار تجاری توسط سرمایه جهانی در امان نیست. آب آشامیدنی سالم تنها دو نیم درصد از کل آبهای زمین را دربر می گیرد. امروزه، منابع چنین آبی آن چنان مورد دخل و تصرف، انتقال و غارت قرار می گیرد که بخش عظیمی از مناطق جهان را با کمبود آب مواجه ساخته است. محیط زیست در چارچوب سیاستهای نولیبرالیستی توسط اقتصاد

کلان کنترل و به انحصار کشیده می شود. صاحبان شرکتهای در حالی که سودی هنگفت را نصیب خود می کنند، منابع حیاتی بشر را با مشکلات عدیده ای روبرو و مورد تجاوز قرار می دهند. حق برخورداری همگان از امکان طبیعی آب در چنین شرایطی همه معنای ذاتی و ویژه خود را از دست می دهد و به تجارت یک کالا، محصول و محموله تبدیل می گردد. بدین ترتیب، طبیعت نیز به یک پدیده مجزا، سرشار از مواد مصرفی و ابزاری برای تولید سود، تعریف می شود.

بی تردید میان کنترل محیط زیست و بروز بی عدالتی اجتماعی رابطه ای وجود دارد، به این معنا که چگونگی رابطه کالایی انسان با طبیعت و انسانها با یکدیگر به طور جدایی ناپذیری بر یکدیگر تاثیر گذارند. خصوصی سازی، پادزهری در دست جهانی سازی سرمایه است. خصوصی سازی هر چه بیشتر، کانون رویکرد سازمانهای بین المللی مانند بانک جهانی، اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول برای حل و فصل همه مشکلات دست به گریبان سرمایه است. بانک جهانی همه کشورها را بر اساس سیاست بازار آزاد به خصوصی سازی حقوق و امکان دسترسی آب به سود کمپانیهای جهانی

آب-باری بر دوش زنان - حقوق بشر و سود شرکتها

بقیه از صفحه ۱۱

در نظر می گیرند. این در حالیست که شرکت‌های خصوصی خواستار بهره بیشتر و بازگشت همه مخارجی هستند که برای آبرسانی صرف کرده اند تا در شرایط رقابت بازار آزاد و مخصوصاً شرایط بحران اقتصادی، ورشکست نشوند.

آب برای مردم یک نیاز حیاتی می باشد که در دسترس بودن آن می بایست تضمین شود. اما برای شرکت‌های خصوصی یک کالای تجاری به حساب می آید. سرویس‌های عمومی آبرسانی معمولاً با سوبسید و یا کاهش قیمت تلاش می کنند تا امکان برخورداری از آب را برای کسانی که قادر به پرداخت هزینه مشخص نیستند، میسر سازند. شرکت‌های خصوصی برعکس، چنین تعهد و مسوولیتی در قبال محرومان به عهده نمی گیرند.

سرویس‌های همگانی آبرسانی تلاش می کنند بهای آب را به طور سالیانه یا کاهش دهند و یا حداقل به صورت ثابت نگاه دارند، در حالی که شرکت‌های خصوصی به عنوان فروشندگان آب تلاش می کنند قیمت آب و سرویس‌های آبرسانی را به طور مرتب افزایش دهند تا سود بیشتری را از آن خود گردانند.

سرویس‌های عمومی آبرسانی به حفاظت از منابع آب و کنترل بهره برداری و مصرف بیشتر از شرکت‌های خصوصی توجه دارند، در حالی که شرکت‌های تجاری از مصرف بی رویه آب توسط آنانی که قادر به پرداخت بهای آن هستند، جانبداری می کنند تا با یک تیر دو نشان بزنند. زیرا مصرف بالاتر به کمیاب شدن آب کمک کرده و قادر می شوند برای سرویس دهی قیمت بیشتری را تقاضا کنند.

مصرف بی رویه آب باعث کاهش آن و ناپایداری سلامت محیط زیست می شود. فروشندگان عمومی آب در حالی آب را به معرض فروش می گذارند که به کیفیت، حفاظت محیط زیست، منابع ذخیره ای و قابل اتکالی آب، بهترین استانداردها و علائق عمومی اهمیت می دهند. برعکس، شرکت‌های خصوصی بر اساس ماهیت و طبیعت خود به تنها چیزی که اهمیت می دهند، افزایش و انباشت سریع تر و افزون تر سرمایه است. بر اساس تحقیقات، مصرف کنندگان بعد از خصوصی سازی منابع و سرویس‌های آبرسانی با افزایش قیمت بین ۱۵ تا ۵۰ درصد مواجه می شوند. آنها مجبور می شوند تا هر قیمتی که شرکت‌های خصوصی تقاضا می کنند را بپردازند.

در این رابطه می توان به خصوص سازی آب توسط شرکت "ای ان بی دلبو" در

شهر "اشتوتگارت" واقع در کشور آلمان اشاره کرد. شرکت مزبور در اولین سال در دست گرفتن سرویس‌های آبرسانی، قیمت آب را ابتدا شش درصد و سپس به میزان هفت و نیم درصد افزایش داد. قیمت آب پیش از این و تا زمانی که توسط شرکتها و سرویس‌های آبرسانی عمومی عرضه می شد، طی سالهای متعددی تغییر نکرده بود. شرکت "ان بی دلبو" در همین راستا رکورد بارآوری را شکست و میزان سود سالانه اش ۴۲ درصد افزایش یافت.

افزایش فروش آب در بطری، یکی از بازتولیدهای پر منفعت سیاست خصوصی سازی آب است. اگرچه تفاوت چندانی بین آب در بطری با آب شیر نیست، ولی بسیاری از خانواده ها برای حفظ سلامت خود و به ویژه فرزندان شان اقدام به خریدن آب بطری می کنند. شرکتها نیز با تبلیغ موفق شده اند تا روند گرایش به خرید آب در بطری را افزایش دهند و در این راستا سود بیشتری را نصیب خود گردانند. شک و تردیدها پیرامون این امر وجود دارد که شرکتها، آب لوله کشی را نیز غیرقابل مصرف می کنند تا مردم را مجبور به خریدن آب بطری کنند. آب در بطری در شکل و اندازه های مختلفی وجود دارد، اما همه بطریها، پلاستیکی هستند که در نتیجه خرید آن باعث انباشت بیشتر آسغال و زباله می شود که به نوبه خود، محیط زیست را به شدت آلوده می سازد. نقل و انتقال بطریهای آب و فاصله زیاد بین مکانهای تولید و مصرف نیز باعث فرسایش محیط زیست می شود. شرکت‌های خصوصی آب اشتیاق فراوانی به استفاده از آب بدون در نظر گرفتن سطح نوزایش منبع، رشد جمعیت و بیابانی شدن منطقه، تا قطره آخر دارند.

موضع سازمان ملل نسبت به آب

بحث پیرامون این موضوع که آیا آب ضرورتی برای ادامه زندگی و نجات انسان به عنوان یک حق انسانی و یک نیاز جهانشمول است و یا یک محموله اقتصادی می باشد، مذهبهای طولانی است که در جریان است. برخی عدم تصمیم گیری در رابطه با مطلب مذکور را اینگونه توجیه می کنند که آب هم مانند برق به طور بدیهی اساس زندگی انسان به حساب می آید. به همین دلیل، متحد کردن نمایندگان سازمان ملل در توجه به این مقوله بسیار مشکل بوده است. کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حمایت از افراد ناتوان و کنوانسیون حقوق کودکان، همگی آب را جزو حقوق بشر به شمار می آورند. اما، بیانیه پیرامون آب و حفاظت از آن در ژانویه سال ۱۹۹۲ در کنفرانس جهانی آب و محیط زیست، آب را کالای اقتصادی که ارزش اقتصادی فراوانی دارد، معرفی کرده است.

این بیانیه در راستای منافع شرکت‌های خصوصی اعلام کرد که عدم شناخت ارزش اقتصادی آب در گذشته سبب استفاده بی رویه از منابع و زیانهای زیست محیطی بیشماری شده است. این

بیانیه اضافه کرد که محسوب کردن آب به عنوان یک کالای اقتصادی، امر بسیار مهمی در راستای دستیابی به استفاده منصفانه، کارآمد و همچنین تشویق به حفاظت و حمایت از منابع آب در جهان محسوب می شود.

این در حالی است که "فوروم جهانی آب سازمان ملل" در سال ۲۰۰۰ روشن ساخت که آب یک نیاز اساسی می باشد. با وجود این تعریف، هنوز شرکت‌های خصوصی قادر به کالایی کردن آب در جهان هستند، زیرا در سیستم سرمایه داری، "نیاز" به معنای "حق" نیست. ولی اگر آب به عنوان یک "حق" در نظر گرفته شود، دولت‌ها موظفند که آن را در اختیار همگان قرار دهند.

در نوامبر سال ۲۰۰۲، کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در یک نظر کلی تصدیق کرد که دسترسی به آب جزو حقوق پایه ای و ضروری بشر جهت ادامه بقا و تکامل حیات انسانی می باشد. کمیته مزبور اضافه کرد که این مساله پیش شرط تحقق همه اشکال حقوق بشر است و بنابراین دولت‌ها می بایست متعهد شوند که آب در دسترس همه اعضای جامعه قرار گیرد. این اقدام سازمان ملل بسیار با ارزش محسوب می شود، زیرا امکان دسترسی به آب یک حق بشری و نه یک کالای اقتصادی به حساب آمده است. افزون بر این، آب می بایست به طور سالم، به بهای قابل پرداخت، قابل دسترس و سالم و ایمن برای استفاده شخصی و خانگی به عنوان یک حق انسانی در اختیار همه افراد جوامع قرار گیرد. یکی از کارشناسان سازمان ملل مسوولیت دنبال کردن این نظریه را به عهده گرفت و اظهار داشت که مدیریت آب می بایست در اختیار بخش عمومی باشد. افزوده بر آن، دولت‌ها متعهد گردیدند تا جهت دسترسی برابر همگان به آب و رعایت اصول بهداشتی اقدام ورزند.

"بنیاد پیشرفت زنان سازمان ملل" می گوید که اگرچه اظهار نظر فوق، دولت‌ها را ملزم نمی کند که به طور مستقیم آب سالم و قابل دسترس را در اختیار همه افراد و خانواده ها قرار دهند، اما این بدان معناست که دولت‌ها مسوول نهایی دسترسی همه افراد به آب کافی که نیاز اساسی آنان است، هستند.

مهمترین گام در مسیر پذیرش حق جهانی آب توسط هیات قانونگذاری سازمان ملل در ۲۸ جولای ۲۰۱۰ با ۱۲۲ رای موافق، ۴۱ رای ممتنع و هیچ رای مخالف صورت پذیرفت و دسترسی به آب به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر به رسمیت شناخته شد. هیات قانونگذاری همچنین برای همه نمایندگان دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی روشن کرد که می بایست با سرمایه گذاری، تکنولوژی و امکانات دیگر، به کشورهای فقیر جهت بالا بردن درجه پاکی آب آشامیدنی، قابل دسترس و منطبق با بضاعت و بهسازی برای همگان یاری رسانند.

ادامه دارد

تروریسم دولتی علیه راه حل عادلانه برای کمپ اشرف

منصور امان

فراسوی خبر... ۶ دی

پس از ناکامی در کُشتار جمعی ساکنان اشرف زیر پوشش یک تصمیم دولتی و به بهانه تامین "منافع ملی عراق"، رژیم جمهوری اسلامی و همدست عراقی آن، خلعت تشریفات رسمی را از تن بیرون آورده و به روش‌های تروریستی و راهزنانه مَتوسل شده اند. حمله بزدلانه موشکی به کمپ اشرف را می توان نشانه ای از سرخوردگی آقایان خامنه ای و مالکی از شکست طرح گسترده خود برای حل خونین و یکبارہ مشکل مَخالفان ساکن این کمپ به حساب آورد.

پرتاب موشک به کمپ غیر نظامی اشرف در همان هنگامی صورت گرفت که دولت عراق زیر فشار بین المللی، در حال امضای توافق نامه ای با سازمان ملل مبنی بر انتقال ساکنان کمپ به محلی تحت نظارت این نهاد و آغاز پروسه ی تعیین وضعیت نهایی اسکان آنها بود.

حمله تروریستی مزبور می تواند معیار خوبی برای سنجش ارزش تعهداتی باشد که دولت دست نشانده عراق به طرف‌های خارجی خود یا نهادهای بین المللی می سپارد؛ این امر به ویژه شامل تعهداتی می شود که خانم هیلاری کلینتون از آن خبر داده است.

وزیر امور خارجه آمریکا در بیانیه ای که به مناسبات امضای توافقنامه بین دولت عراق و سازمان ملل صادر کرده اطلاع می دهد، تیم مالکی با نظارت سازمان ملل بر انتقال ساکنان کمپ اشرف به محل جدید و استقرار بیست و چهار ساعته نمایندگان سازمان ملل در محل مزبور موافقت کرده است.

حمله تروریستی به کمپ اشرف در حالی که هنوز مَرکب امضای آقای مالکی خشک نشده، خرابکاری آشکار در تلاش‌هایی است که به منظور به جریان انداختن یک راه حل عادلانه انجام می شود. حمله مزبور ثابت می کند که باز کردن حساب یک طرفه روی حُسن نیت یا توانایی دولت عراق در عمل به تعهدات خود می تواند اشتباهی مرگبار باشد.

چالشهای معلمان در دی ماه

فرنگیس باقره

استخدام ۱۵ هزار آخوند در آموزش و پرورش پیگیری می شود

طبق گزارش خبرگزاری "خانه ملت"، علی کریمی فیروزجایی، نماینده مجلس شورای اسلامی از بابل در پاسخ به سوالی در مورد حمایت از فعالیتهای تبلیغی روحانیون در سطح مدارس گفت: "بر اساس منویات رهبری و به منظور ایجاد انس بین دانش آموزان و قرآن، طرح جذب ۱۵ هزار روحانی به آموزش و پرورش را در مجلس و دولت پیگیری کردیم که با تغییر وزرا موانعی پیش آمد و این طرح عملی نشد، اما با پیگیریهای مستمر، در حال حاضر مراد وجود خوبی بین آموزش و پرورش و مبلغان وجود دارد."

از نظر وی در استان مازندران و شهرستان بابل نیز با اقداماتی که انجام گرفته، فعالیت روحانیون در مدارس بسیار تسهیل شده است.

دانشگاه فرهنگیان جایگزین

دانشگاه تربیت معلم خواهد شد

به گزارش "خبرگزاری مهر"، عبدالرضا ترابی نماینده مجلس شورای اسلامی از گرمسار گفت: "بر اساس سند تحول بنیادین آموزش پرورش، دانشگاه فرهنگیان در مراکز استان جایگزین دانشگاه تربیت معلم می شود."

وی افزود: "با توجه به این که دانشگاه تربیت معلم به تربیت معلمان اختصاص دارد، همواره این موضوع جای سوال است که چرا یک معلم پس از تربیت در این دانشگاه، استخدام نمی شود اما افراد خارج از این دانشگاه استخدام آموزش و پرورش می شوند و به جای افراد این دانشگاه، نیروی حق التدریسی استخدام شود. بر همین اساس راه حل این مشکل در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دیده شد و قرار است در مرکز هر استان یک دانشگاه به نام دانشگاه فرهنگیان تأسیس شود که جایگزین دانشگاه تربیت معلم فعلی خواهد شد تا بتواند به امور تربیت معلمان بنا بر نیاز آموزش و پرورش بپردازد."

جنگ انتخاباتی باندهای حکومتی

در مدارس

به گزارش وبگاه "جوان"، در آستانه ثبت نام انتخابات مجلس، تعدادی از مدیران مدارس، امکانات مدرسه را برای تبلیغات انتخاباتی کاندیداهای خاص به کار گرفته اند.

به نوشته این وبگاه، شنیده ها در روزهای اخیر حاکی از این بوده که برخی از مسوولان مدارس با تحت فشار قرار دادن دبیران، آنها را مجبور به شرکت در میتینگهای تبلیغاتی برخی از نمایندگان می کنند و اگر معلمی از بقیه در صفحه ۱۴

سپس به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شد.

علی پورسلیمان از همان جلسه اول بازجویی اش تقاضای اعزام به پزشکی قانونی و تکمیل معالجاتش را با بازجویانش مطرح کرده بود ولی با بی توجهی و عدم پاسخگویی آنها روبرو شد. او توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، به ریاست قاضی مقیسه به یک سال حبس محکوم شده است.

علی پور سلیمان معلم زندانی و وبلاگ نویس وبلاگ "سخن معلم" و عضو فعال ستاد فرهنگیان مهدی کروی در انتخابات سال ۸۸ به ریاست محمد نجفی، وزیر سابق آموزش و پرورش، به همراه محمد داوری و جمعی دیگر از فرهنگیان هم بوده است.



او در مهر ماه سال ۱۳۸۸ از سوی مجموعه فعالان حقوق بشر ایران به عنوان وبلاگ نویس برتر در حوزه اصناف ایران شناخته شده است.

محکومیت معلمان در یزد

بر اساس نوشته "زانیاری"، اعضای کانون فرهنگیان یزد از سوی شعبه ۱ اول دادگاه انقلاب یزد به ۴۲ ماه حبس محکوم شدند.

آقایان محمد علی حسن شیرازی، منصور میرزایی، محمد جواد حسامی، احمد چنگیزی، محمد علی شاهدی، رمضان علی نجاتی، محمد مهدی صدیقی، محمد حسین دهقانپور و علی قوچانی به اتهامهای "تبلیغ علیه نظام، فعالیت غیرقانونی از طریق سخنرانی و تشکیل جلسه، تجمع و صدور بیانیه و تحریک معلمان به اعتصاب غذا و تعطیلی کلاس" به زندان محکوم شدند. شایان ذکر است که حکم زندان آنها به مدت ۵ سال تعلیق شده است.

همه این بخشها، رو به نابودی هستند. لذا راهی جز مبارزه تا از میان برداشتن این بی خردان زورگو و مستبد در پیش نیست. هیچ عقل سلیمی نمی خواهد انسانها زندانی و شکنجه شوند اما عزت و سربلندی نیز رایگان به دست نخواهد آمد و هر چه بیشتر زمان بگذرد بر این دشواریها و خفت و خواری ها افزوده خواهد شد.

اینجانب ضمن محکوم کردن ارعاب، تهدید و احضار معلمان کشور به ویژه اعضای کانون صنفی معلمان، از همکاران خود در سراسر کشور امید پشتیبانی داریم تا با همبستگی میان معلمان و سایر اقشار جامعه بتوانیم به یک حاکمیت مردمی دست یابیم. " رسول بدایق زندان رجایی شهر، ۲۶ دی ۱۳۹۰

سازمان معلمان ایران خواستار

آزادی همکاران زندانی خود شد

سازمان معلمان ایران، یکی از نهادهای صنفی معلمان ایران است. اعضای این سازمان به تازگی در بیانیه ای با انتقاد از تداوم بازداشت معلمان کشور، خواستار آزادی این معلمان و اعضای

در بند این سازمان شدند. به گزارش وبگاه "کلمه"، در بیانیه این تشکل صنفی-غیردولتی نوشته: "ما اعضای سازمان معلمان تاسف عمیق خود را از وضعیت همکاران دربندمان و همچنین بی توجهی وزیر آموزش و پرورش، حاجی بابایی نسبت به آنان اعلام می داریم. عملکرد آقای حاجی بابایی به گونه ای بوده است که تاکنون نه نماینده معلمان در آموزش و پرورش که، نماینده دولت در وزارت آموزش و پرورش تلقی شده است. این وزیر تاکنون هیچ اشاره ای به معلمان زندانی هم نکرده است."

بیانیه مزبور می افزاید: "سازمان معلمان ایران مخالف صریح وضع امنیتی موجود در آموزش و پرورش است، چرا که این شرایط مانع پویایی و خلاقیت در عرصه تعلیم و تربیت است. بنابراین این سازمان به طور جدی از مسوولان می خواهد به برخورد امنیتی و قضایی با فعالان مستقل، منتقد و تشکلهای پایان دهد."

نامه رسول بدایق، معلم زندانی

با حکم قطعی آموزش و پرورش رسول بدایق اخراج شد. این معلم زندانی در مورد اخراجش از آموزش و پرورش نامه ای کوتاهی به شرح زیر نوشته است: "در طول ۲۱ سال که از پیشینه من در کارمعلمی گذشته است، از دورترین روستاهای کشور گرفته تا پایتخت ایران در سالهای نخست کارم پی برده ام که این سیستم راه به ویرانه دارد و روح و روان و جسم و جان جوانان این مرز و بوم را به نابودی بیشتر خواهد کشاند از این رو از همان آغاز کار معلمی، کمر به بدهیات بستم و مبارزه با گردانندگان این سیستم را پیشه خود ساختم از طرفی حاکمیت زورگویان و بی خردان جز سرکوبی و کشتار و شکنجه و زندانی کردن، راه دیگری را نمی دانند و در پیش نمی گیرند."

همواره منطبق و زور، دروغ و راستی، خدمت و خیانت، مهر و کین، روشنایی و تاریکی، نادانی و دانایی هیچ هماهنگی و سازشی با هم ندارند. متأسفانه کینه حاکمان بی خرد و زورگو در همه بخشهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، بین المللی و... رایج است و

شکایت معلم زندانی از قرارگاه

ثارالله

طبق گزارش "خبرگزاری هرانا"، علی پورسلیمان، معلم زندانی و فعال صنفی، اعلام کرده که به زودی از مسوولان قرارگاه ثار الله سپاه پاسدارن شکایت می کند.

علی پور سلیمان که مسوولیت تشکیلات و برنامه ریزی سازمان معلمان ایران را نیز در اختیار داشته، تصمیم دارد از ماموران این قرارگاه به دلیل ضرب و شتم خود در هنگام بازداشت، شکایت کند. او بارها برای ثبت شکایتش به مسوولان زندان مراجعه کرده است.

این دبیر منطقه ۹ آموزش و پرورش تهران در ۱۱ خرداد ماه امسال توسط نیروهای لباس شخصی قرارگاه مزبور، دستگیر و چنان مورد ضرب و شتم قرار گرفت که بلافاصله بعد از بازداشت اش به دلیل مشکلات و جراحات جدی به بیمارستان خاتم الانبیا منتقل گردید. او بعد از درمان به بند دو الف سپاه و

چالشهای معلمان در دی ماه

جنگ علیه «باربی» در نظام تبعیض جنسیتی

نگار الوندی

بقیه از صفحه ۱۳

حضور در این جلسات سر باز زند، به کاهش نمره ارزشیابی تهدید می شوند.

در همین راستا حمیدرضا حاجی بابایی هشدار داد که آموزش و پرورش نباید برای گروه و افراد خاصی هزینه شود و سنگر یا سکویی در امر انتخابات برای برخی افراد باشد.

قاسم مستقیم، مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش نیز به "جوان" گفته است: "اگر مسوولان مدارس و یا سایر نهادهای آموزش و پرورش از امکانات مدارس و یا سایر نهادهای آموزش و پرورش استفاده کنند، مورد برخورد قانونی قرار می گیرند. این که کسی بخواهد فضای آموزش و پرورش را سیاسی کند، به هیچ وجه قابل پذیرش نیست و با برخورد قاطع مسوولان این وزارتخانه روبرو می شود."

او هشدار داده که: "۷۵۰ نفر در سطح کشور و در استانهای مختلف، رفتارهای مدیران و مسوولان آموزش و پرورش و مدارس را زیر نظر دارند و با مشاهده کوچکترین تخلف، به خصوص در عرصه های انتخاباتی، برخوردهای قانونی صورت می گیرد."

به گزارش وبگاه یاد شده، وی پیرامون شیوه برخورد با کسانی که از امکانات آموزش و پرورش برای تبلیغات کاندیداهای انتخاباتی استفاده می کنند اظهار داشته: "تذکر شفاهی، تذکر کتبی با درج در پرونده و برکناری مدیر مربوطه از سمت، عاقبت افرادی است که از امکانات مدارس برای تبلیغات کاندیداهای انتخابات بهره می برند."

مجلس: حاجی آبادی دروغ می گوید

به گزارش "همشهری"، هنوز جزئیات تغییر نظام آموزشی تصویب نشده ولی برخی مسوولان آموزش و پرورش سعی در القای تصویب این جزئیات در شورای عالی انقلاب فرهنگی دارند و این امر موجب نگرانی خانواده ها شده است.

وزیر آموزش و پرورش پس از رونمایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، قدری شتاب زده از آغاز تغییر نظام آموزشی کشور از مهرماه سال آینده خبر داد که بر اساس آن، سال آینده اول راهنمایی ورودی نخواهد داشت و دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی به ششم ابتدایی می روند و... طبق گزارش "همشهری"، این سخنان مسوولان آموزش و پرورش اعتراض مجلسیان و در راس آنها رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس را به دنبال داشت و عباسپور تهرانی فرد، سخنان وزیر را "شعار تبلیغاتی" دانست، زیرا به گفته وی تغییر نظام آموزشی هنوز در شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب نشده است.

رییس کمیسیون آموزش مجلس در واکنش به سخنان وزیر آموزش و پرورش درباره تصویب نظام آموزشی در شورای عالی انقلاب فرهنگی و آغاز تغییر نظام آموزشی از سال آینده تصریح کرد: "این اظهارات خلاف واقع است و تغییر نظام آموزشی هیچ جا مصوب نشده است."

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در واکنش به اظهارات عباسپور اعلام نمود: "با توجه به اظهارات غیرمسوولانه برخی افراد در رسانهها پیرامون عدم تصویب نظام آموزشی ۳-۳-۶ در شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعلام می شود که اصل نظام آموزشی ۳-۳-۶ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است."

اعضای کمیسیون آموزش مجلس می گویند که درباره نظام ۳-۳-۶ در آموزش و پرورش مردد هستند و مطمئن نیستند که سیاست درستی باشد و یا چشم انداز خوبی را برای تحول در ساختار ایجاد کند.

به این ترتیب سرنوشت میلیونها دانش آموز میهنمان به دست این آقایان که در کل با تردید و گمانه زنیها دست به تغییرات نا هنجار در نظام آموزش و پرورش می زنند و از نتیجه این تغییرات هیچ اطلاع دقیقی ندارند؛ رقم می خورد.

می دهد، به صورت الگویی منفی برای دختران کوچک است. با وجود این الگو به دختران از سنین پایین القا می شود که زن دل بسته ی اشیا و لوازم خانگی است و کارکردی پرستیژ آور دارد که از تن پروری اشرافی و بورژوازی زنان ناشی می شود تا گواه پرستیژ اربابشان (ابتدا پدر و بعد شوهر) باشند. بنابراین زن خانه دار چیزی تولید نمی کند، نیروی مولد به حساب نمی آید، نقشی اجتماعی پر عهده ندارد و اگر هم آیینا دارای نقشی اجتماعی باشد بیشتر جنبه ی خیریه ای دارد که فقط احساسات نوع دوستی شان را ارضا می کند. از این رو زن ارزشی برابر با نیروی پرستیژ آور دارد که از بی فایده گی رسمی یا شان و مرتبه ی او به عنوان برده نگه داری شده ناشی می شود؛ پس او تنها یک علامت مشخصه است که بر علائم مشخصه ی ثانوی یعنی اشیا و لوازم خانگی حاکمیت دارد. این همان منطقی است که قوانین جمهوری اسلامی در مورد ارایه داده و بر اساس آن تبعیض جنسیتی را نهادینه کرده است.

پلیس نظارت بر اماکن عمومی تهران هدف از جمع آوری عروسکهای باربی را برخورد با «مظاهر غربی و ترویج دهنده بی بندوباری» و حفاظت از مردم و به خصوص «کودکان» از «فرهنگ منحط غربی» عنوان کرده است. در فروردین سال ۱۳۸۸ نیز دادستان کل رژیم حُکمی مبنی بر «خطراتک بودن باربی» صادر کرده بود. خیلی پیش تر یک نهاد فرهنگی حکومتی در مقابل «باربی و دوست پسرش»، خواهر و برادری با نام «سارا و دارا» را طراحی کرده بود که علیرغم تفاوت در شکل ظاهرش (حجاب اسلامی و ..) در اساس از همان اندیشه حاکم بر عروسک باربی پیروی می کرد. بنابراین این تصمیم و اعمال آن به هیچ وجه مقابله با شی وارگی شدن زن و... نیست. به نظر می رسد در مقابل تحریمهای جهانی به دلیل برنامه ی هسته ای حکومت و سقوط ارزش ریال و مسایل دیگری که جمهوری اسلامی با آن درگیر است، این لحظه برای ممنوعیت عروسکهای باربی انتخاب شده است.

شود. اما این زیبایی الزامی، جهان شمول و دموکراتیک که به عنوان حق و تکلیف برای همگان و به ویژه دختران جوان بر روی پیشانی جامعه حک شده، از لاغری جدا نیست چرا که بر مبنای تعریف کنونی و مدلهای موجود در جامعه و مراکز که این مدل از عروسک ها نماینده ی آن هستند، ترکیبی از نشانه هاست که تابع همان فرآیند بازسازی نظام سرمایه داری و اقتصاد جبری کارکرد اشیا است.

بنابراین در اینجاست که زیبایی با لاغری و کشیده اندام بودن ارتباط پیدا می کند. این نوع از عروسکها دختران را از سنین پایین دچار وسوسه ی حفظ تناسب اندام، آن هم به شکلی کاملا ریاضت طلبانه مثل عملهای زیبایی سخت و خطرناک، رژیمهای غذایی سخت و... می کند و باعث بیداری غریزه ی تجاوزگرانه نسبت به بدن در دختران می شود.

کل این غریزه ی تجاوزگر و متخاصم توسط نهادهای اجتماعی هدایت نمی شود و امروزه به مراقبت همگانی از بدن اطلاق می شود. این مراقبت انگیزه ای برای خود سرکوبی به شکلی کاملا واقعی است؛ امری که به جرات می توان گفت امروزه یک سوم جمعیت بزرگسال کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه را تحت تاثیر قرار داده است. این غریزه و رای عامل تعیین کننده ی مد، این سماجت خودبرترگر و غیر عقلایی را تقویت می کند که زیبایی و شیک بودن که در ابتدا مورد نظر بودند؛ در حال حاضر چیزی جز بهانه ای برای نظم و انضباط روزمره نیست. بدن در بازگشتی کامل به شی وارگی خواهد بود که باید بر آن نظارت کرد، آن را محدود کرد و برای مقاصد زیبایی شناختی، ریاضت را بر آن تحمیل نمود. حتی اگر بخواهیم شکل ظاهری و تاثیر این مدل از عروسکها را بر ذهن و روان و در نهایت اعمال کودکان نادیده بگیریم از مدل زندگی ای که به کودکان تحمیل می کند نمی توان چشم پوشید. این مدل از زندگی که عروسکها را دل بسته ی اشیا، البسه ی پر زرق و برق، انواع و اقسام آرایشها و همچنین لوازم خانگی نشان

خبرگزاری مهر روز جمعه ۳۰ دی هشدار پلیس نظارت بر اماکن عمومی در مورد فروشندگان عروسکهای باربی را منتشر کرد. بنا بر این خبر تاکنون دهها مغازه فروشنده عروسک باربی از سوی ماموران پلمپ شده است و اجرای این طرح ادامه دارد.

عروسکهای باربی از جمله اسباب بازیهای جدید است که در ۱۳ فوریه سال ۱۹۵۹ توسط شرکت ماتیل تولید و روانه ی بازار شد. این عروسکها بر اساس پندارهای بزرگسالان طراحی شده اند تا کودکان را مخاطب قرار دهند و به طور غیر مستقیم خصوصیات شخصی یا صفات متعلق به مدل مونث را به دختران از سنین پایین نسبت دهند. مدل مونث که زنان را وادار می کند تا خود را به گونه ای بیارایند که مورد پسند مدل مذکر واقع شوند. در اینجا حق انتخاب و توقع مطرح نیست؛ بلکه خوشایند بودن و مراقبت از خود از روی خودشیفتگی حالتی الزامی به خود می گیرد. آن چیزی که در مدل مونث تداوم دارد ارزشی فرعی است. زن تنها برای این که بهتر موضوع رقابت مردان واقع شود، به خود می رسد و خود نمونه ای از این شعار می شود: "اگر او زیباست بدین معنا است که زن اگر زن باشد انتخاب خواهد شد و مرد اگر مرد باشد زن خود را به عنوان یکی از اشیا/ نشانه ها انتخاب خواهد کرد." بنابراین تحت پوشش پوشالی به خود رسیدن، زن به صورت نیابتی به سطح ذمه رسانی تنزی می یابد؛ در نتیجه دیگر عزم و اراده ی او مستقل نخواهد بود.

اگر به شعاری که ذکر شد نگاهی موشکافانه تر کنیم، متوجه ی واژه ی «زیبا» خواهیم شد؛ واژه ای که دارای معانی ی نسبی است. چیزی که سریعاً ذهن ما را به سمت مفهوم زیبایی سوق می دهد و این سوال را در ذهن ایجاد می کند که زیبا در این جا به چه مفهومی اطلاق می شود. بر اساس تعریف سنتی می توان گفت که زیبایی بر هم آهنگی اشکال مبتنی است؛ بنابراین زیبایی و لاغری به هیچ وجه قربات طبیعی با یکدیگر ندارند، چرا که چاقی نیز در جاهایی دیگر ممکن است زیبایی تلقی

شجاعت مقاومت یا وقاحت تسلیم

شهره صابری

این روزها عکس عریان زنانی مانند علیا ماجده المهدی، دانشجوی مصری و گلشیفته فراهانی، بازیگر ایرانی، جنجال و بحث فراوان و واکنش‌های مثبت و منفی را برانگیخته است. در ایران خبر انتشار عکس عریان گلشیفته فراهانی، در مجله فرانسوی فیکارو و پس از آن در شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های متضادی در داخل و خارج از ایران برانگیخته است. عکس گلشیفته از مجموعه عکس‌های ژان موندینو، عکاس معروف فرانسوی، از شانزده بازیگر جوانی است که نامشان برای نامزدی بخش بهترین "بازیگر مستعد" جوایز سینمایی سزار مطرح شده است.

روز چهارشنبه ۲۸ دی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران در خبری با عنوان "اقدام وقیحانه هنرپیشه فیلم اصغر فرهادی" نوشت: "انتشار عکس نیمه برهنه «گلشیفته فراهانی» در فیس‌بوک و پس از آن دیگر سایتهای اینترنتی واکنش بسیاری از سینما دوستان را برانگیخت که چرا بازیگری که یک روز با بازی در نقش مادری فداکار در فیلم «میم مثل مادر» خوش درخشیده بود، با پناه بردن به سینمای غرب امروز افتخارش این است تا به حراج گذاشتن نجابتش، عکسش بر جلد یک مجله فرانسوی منتشر شده است."

مسلم است شکل گیری این حرکت بر اساس اعتراض است. همواره تایید و اثبات به دست قدرت انجام گرفته و همواره قدرتها، نهادها و طرحهایی از زندگی را بر مردم تحمیل کرده اند که غالباً از سوی مردم به اجبار پذیرفته شده است. یکی از دلایل تسلیم شدن در برابر این نهادها و عدم ایستادگی در برابر آن بدست آوردن امکانات و حمایت طبقات قدرتمند است که منجر به انقیاد و ستم انسان بر انسان (استثمار) خواهد شد. در مرحله اولیه مقاومتی در برابر قدرت شکل نمی گیرد، اما تغییر پیش رونده محیط و گسترش آگاهی منجر به ایستادگی در برابر اجبار و بهره کشی می شود و امیال انسان متناسب با این تغییرات ضرورت پیدا می کنند و باعث تلاش برای لغو استثمار و اجبار طبقه ی حاکم می شود. از آنجا که پوشش از اجبارت قانون، سنن و اخلاقیات

مسلط که بر اساس منافع قدرتمندان تعیین می شود است، حرکت اعتراضی در مقابل نهاد های قدرت و اجبار است. حرکت اعتراضی به منظور بر اندازی حجاب اجباری که نماد اعمال قدرت به نفع طبقه ی حاکم است، می تواند قدرت و روحیه اعتراضی را افزایش دهد.

اروتیک به معنای شور زندگی است و به گفته ی فروید با تاناتوس که به معنی شور مرگ است همواره در کشمکش است. در تصاویر و مجسمه های اروتیک صحنه هایی از انواع روابط جنسی که بیانگر هماهنگی کامل تمایلات غریزی با عمل است، مشاهده می شود. برای نمونه به تصویر کشیده شدن عشق به جنس موافق از تصاویر اروتیک است که به عقیده فروید تقبیح آن به موازات برداشت و فهم نادرست از آن و بدون در نظر گرفتن شرایط محیط و تعلیم و تربیت و موارد اکتسابی است.

علیا ماجده به تصاویر و مجسمه های اروتیک اشاره می کند و می گوید: "تمامی مدل‌های لخت دهه ی ۷۰ در مدارس هنر را محاکمه کنید، تمامی تصاویر هنری را مخفی و مجسمه های لخت را نابود کنید. سپس لباسهای خود را در آورید و بدنهای خود را بسوزانید. این که شما از دست دادن شرم جنسی خود می ترسید، قبل از این که تحقیر و وطن پرستی افراطی خود را آشکار کنید، جرئت پیدا کنید تا نقض آزادی بیان برای من را ببینید.

علیا ماجده با ژست و لبخند تمسخر آمیز و جورابها به تن پوشیده در صدد تاکید بر هماهنگی انسان با تمناهای اصیلش و تقبیح و تمسخر پرئو و نگاه شی واره و ابزار گونه به انسان به مثابه ابزاری برای کنترل فعالیتهای انسان توسط مقتدرترین ها، است.

گرچه حرکت اعتراضی علیا ماجده و تعدادی دیگر از زنان عرب و همچنین گلشیفته فراهانی، واکنشهای تند و خشونت باری را موجب شده است، اما در شرایط کنونی هر گونه گسستگی، هر ضربه به مجموعه ی سنن و اخلاقیات سلطه گر، هر ضربه به نهاد های استثمارگر قابل ستایش و حرکتی است به سوی خود آگاهی و آزادی.

مانور دیپلماتیک رژیم به قصد کلاهبرداری سیاسی

جعفر پویه

فراسوی خبر ... آدینه ۳۰ دی در حالیکه علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه رژیم ولایت فقیه از قریب الوقوع بودن از سرگیری مذاکرات هسته ای با ۱+۵ خبر می دهد، وزیر خارجه انگلیس در واکنشی فوری این خبر را رد کرده و اعلام داشت که مذاکرات همچنان در بن بست قرار دارد. همچنین سخنگوی خانم اشتون، رییس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در واکنش به گفته صالحی تاکید کرد: "هیچ برنامه ای برای مذاکره با ایران در کار نیست و هنوز تصمیم آن گرفته هم نشده. در نتیجه بی فایده است که در مورد اینکه زمان و مکان آن ممکن است کی و کجا باشد، حرف زد."

به نظر می رسد دستگاه دیپلماسی رژیم ولایت فقیه بار دیگر با دروغگویی و خبرهای ساختگی تلاش دارد تا خود را از انزوا خارج شده نشان دهد. به همین دلیل علی اکبر صالحی که بعد از علی لاریجانی به ترکیه سفر کرده، تلاش می کند تا با به جلو راندن ترکیه و تمرکز بر اشتهای همتایان ترک خود برای مطرح شدن در سیاست منطقه ای و جهانی، هیاهویی برای هیچ را سازمان دهد. علی لاریجانی در ترکیه اعلام کرده بود: "موضوع هسته‌ای ایران روشن است، اما ما گرفتار بازیگریهای غریبها شده‌ایم. مذاکرات قابل حل است، به شرطی که مذاکرات جدی باشد نه بازیگوشانه."

و صالحی نیز همین سیاست را پی می گیرد و می گوید: "اگر غرب نیت صادقانه ای داشته باشد، باید مذاکرات هسته ای بین ایران و گروه ۵+۱ آغاز شود."

همزمان، مایکل مان، سخنگوی دفتر کاترین اشتون، اعلام کرد: "همانطور که قبلا هم گفته بودم، تصمیم به شروع مذاکرات روندی دارد که هنوز گام اول آن برداشته نشده است، در نتیجه نمی توان به دیگر موارد و جزئیات پرداخت، ولی در حال حاضر می توان گفت، هیچ برنامه ای برای مذاکره با ایران سازماندهی نشده است."

تصمیم قاطع اتحادیه اروپا برای تحریم بیشتر رژیم که به گفته آلن ژوپه، وزیر امور خارجه فرانسه روز دوشنبه آینده رسمیت خواهد یافت و نفت و داراییهای بانک مرکزی رژیم را هدف قرار خواهد داد، باعث شده که دستگاه دیپلماسی ولایت فقیه برای تحت تاثیر قرار دادن آن، دست به یک سری مانورهایی با مضامین دروغین بزند.

معلوم نیست مقامهای اتحادیه اروپا باید به چه زبانی به پاپوران دروغگو و دغل باز رژیم حالی کنند که هرکاری نیاز به مقدمات خاص خود را دارد و باید از کانال مشخصی عبور کند؟

پاپوران رژیم سعی می کنند با آماده نشان دادن خود و طرح مذاکره بدون پیش شرط، نشستی نمایان را سازمان دهند و اینگونه شرط اجرای قطعنامه های سازمان ملل برای بازگشت به میز مذاکره را ملغی شده و بی ارزش اعلام کنند. این عملی است که آنها فکر می کنند با کلاهبرداری و دروغگویی می توانند انجام دهند. درحالیکه دست دروغگویان و دغلبازان ولایت فقیه برای سیاستمداران جهانی و مقامهای اتحادیه اروپا رو شده و دیگر حنایشان برای کلاهبرداری سیاسی رنگی ندارد.

بستن یا بستن تنگه هُرْمَز، یک دوگانگی

مُحاسبه شده

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۱ دی این بخش ثابت آداب و تشریفات مرسوم رژیم جمهوری اسلامی است که پیش از هر تصمیم بین المللی علیه پروژه هسته ای خود، اسلحه بکشد و دست به برگزاری مانور نظامی بزند؛ واکنشی که نه فقط کارشناسان عادی روابط عمومی بلکه، طرفهای خارجی رژیم مُلاها نیز به آن آگاهند و سرچشمه و مقصد نهایی اش را می توانند به سادگی حدس بزنند. با این حال، چنین می نماید که تازه ترین نمایش جنگی جمهوری اسلامی، دستکم در واشنگتن، توجّهی غیر معمول را برانگیخته باشد.

آشکار ترین نشانه این امر، ورود مُستقیم و کم پیشینه یک مقام نظامی آمریکا در خلیج فارس به مُشاجرات لفظی است. هفته گذشته، سُخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا هُمدار داد که آمریکا اختلال در تنگه هُرْمَز را در تحمّل نخواهد کرد. وی این سُخنان را در واکنش به تهدید مُعاون آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری، مبنی بر مسدود ساختن تنگه مزبور در صورت تحریم نفت جمهوری اسلامی ابراز داشت.

اندکی بعد اما یک سُخنگوی وزارت خارجه ایالات مُتحد، با اشاره به اینکه آمریکا سُخنان مقام جمهوری اسلامی را "لفظی" انگاشته و به دُشواری می تواند آن را "تهدیدی جدی" به حساب بیاورد، روایت مُفاوتی از وضعیت ارایه داد. با این حال، آقای مارک تانر توضیح نداد چرا یک واحد ارتش آمریکا مُنظر رویکرد رسمی نشده و خود به طور مُستقل به تفسیر مسایل سیاسی پرداخته است.

از سوی دیگر، چنین می نماید که گویش به دو زبان مُختلف فقط مُختص آمریکا نیست؛ چه پاپوران جمهوری اسلامی نیز به همین گونه سناریوهای به کلی دوگانه ای را به تصویر می کشند و در حالی که عده ای از بستن تنگه هُرْمَز و تشدید بحران سُخن می رانند، دسته دیگر این گفته ها را رد کرده و ژست تشنّج زدایی می گیرد.

در هر صورت، به دُشواری می توان پنداشت که دولت آمریکا و نیز رژیم جمهوری اسلامی پیرامون یک مساله استراتژیک (برای آمریکا)، حیاتی (برای حاکمان ایران) و به شدت حساس (برای هر دو) دُچار سردرگمی باشند. بیشتر به نظر می آید این یک دوگانگی مُحاسبه شده است که هدف اصلی آن شناور نگه داشتن تهدید برخورد نظامی روی سطح رویدادها به منظور تحت تاثیر قرار دادن و در بهترین حالت، سمت دادن به آنها می باشد.

ناگفته پیداست که به میان آوردن و بُزرگنمایی احتمال یک درگیری نظامی در صورت توسّل به تحریم بانک مرکزی مُلاها و ضربه به مکانیزم مُعاملات نفتی آنها، در خدمت از دور خارج کردن کُدام راهکار قرار دارد.

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

زنان هستند. روزنامه اشعریه اعلام کرد که تمامی فروشگاههای پوشاک زنانه و لوازم آرایش می بایست همه کارکنان مرد خود را سریعاً برکنار کنند. قانون مزبور، از سال ۲۰۰۶ توسط دولت در دستور کار قرار گرفته بود که اکنون به مورد اجرا در آمده است.

چین: رشد فزاینده آزار جنسی

در محل کار

خبرگزاری نیولند، ۴ ژانویه ۲۰۱۲ - فعالان حقوق زنان در نشست در "بیجینگ" اعلام کردند که گزارش آزار و اذیت جنسی در محل کار، در تداوم رشد این پدیده در سالهای اخیر، کماکان افزایش چشمگیری داشته است.

بخش مشاوره با قربانیان عنوان می کند که از سال ۲۰۰۷ به بعد، میزان اعمال آزار جنسی افزایش یافته است که براساس گزارشهای دریافتی تلفنی، بیش از نیمی از موارد آزار جنسی در محل کار انجام شده. گزارش در باره این امر خود نیز حاکی از رشد آگاهی زنان از حقوق خود می باشد.

شایان ذکر است، بیش از نیمی از دویست میلیون زن کارگر در چین از معضل آزار جنسی در محیط کار رنج می برند. این در حالیست که مراکز قانونی مشاوره با قربانیان به تعداد کافی وجود ندارد و ماموران دولتی نیز به این کمبود توجه و اهمیت کافی نشان نمی دهند.

زنان مصر می بایست اجازه

اعتراض داشته باشند

آل افریقا، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۱ - به موازات افزایش اعتراضها و راهپیماییها در مصر و مشارکت گسترده زنان در آنها، سازمان عفو بین الملل از ارتش این کشور خواسته است که به زنان مصری هم اجازه فعالیت و برگزاری راهپیمایی آزادانه برای طرح مطالباتشان بدهد.

فعالان سیاسی و مخالفان دولت مصر در هفته های گذشته تلاش کردند با برگزاری راهپیمایی به اعمال خشونت ارتش مصر علیه نیروهای اپوزیسیون و زنان اعتراض کنند که دوباره با تهاجم بیرحمانه نیروهای سرکوبگر مواجه شده اند. بر اساس گزارشهای متعدد، بیش از هفده نفر با آتش گلوله در این راهپیماییها کشته شده اند. فعالان سیاسی زن که در این راهپیماییها شرکت کرده اند، از بدرفتاری و خشونت نیروهای امنیتی و از جمله آزار و اذیت جنسی، فیزیکی، لفظی و تجاوز شکایت کرده اند.

زنان مداخله گر، انتخاب این

ماه: ادیت لاگوس

"ادیت لاگوس"، کمونیست انقلابی، چریک و عضو حزب کمونیست پرو، یکی از مشهورترین فرماندهان مبارزات چریکی این کشور بود که خطابه هایش الهام بخش دهقانان سراسر کوههای جنوب میانه پرو بود.

در دوم ماه مارس سال ۱۹۸۲، یک نیروی نسبتاً کوچک چریکی به رهبری حزب کمونیست پرو که مبارزه مسلحانه را در دستور کار داشت، خطوط برق رسانی "ایاکوچو" را منفجر کرد و آنگاه پلیس و نیروهای ضد شورش را در مقرهایشان به محاصره درآورد و راه خود را به سوی زندان مرکز بخش گشود. در نبردی که نزدیک به پنج ساعت به درازا کشید، چریکها زندان را به تصرف درآورده و همه زندانیان را از سلولها آزاد کردند و به همراه آنها در حیاط زندان پرچم سرخ برافراشته، سرود انترناسیونال را خوانده و محل را ترک کردند.

فرمانده این عملیات زنی کمونیست و چریک انقلابی به نام "ماریا پرادو" بود. از انقلابیونی که در این حمله آزاد شد، زن کمونیست جوان "ادیت لاگوس" بود که از شانزده سالگی در حزب کمونیست پرو فعال بود. او به دلیل سخنرانیهای پرشوری که در میادین ایراد می کرد، در میان مردم محبوبیت زیادی داشت. او در مدت کوتاه فعالیتش بارها دستگیر و چند بار نیز از زندان گریخته بود. شش ماه بعد از رهایی از زندان، "ادیت لاگوس" در جریان یک عملیات تعرضی حزب در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۲ دو باره دستگیر شد. پلیس، وحشیانه بدن این زن را با سرنیزه درید. این کمونیست جوان به هنگام مرگ فقط ۱۹ سال داشت.

در تشییع جنازه "ادیت لاگوس" بیش از ۳۰ هزار نفر از اهالی شهر ۸۰ هزار نفری "ایاکوچو" به خیابان آمده و تابوت او را در پوشش پرچم سرخ حزب به خاک سپردند. "ایاکوچو" هیچگاه چنین گردهمایی عظیمی به خود ندیده بود.

منبع: آنان آغازگران بودند

عربستان سعودی: اشتغال

مردان در مغازه های پوشاک

زنانه ممنوع شد

تربیون گراس، ۴ ژانویه ۲۰۱۲ - عربستان سعودی قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن تنها زنان، مجاز به فروشندهی در مغازه های پوشاک

به نام "زنان جوان برای تغییر" است که شامل تعداد معدودی از فعالان مرد نیز می باشد که به زنان افغان جهت دستیابی به زندگی بهتر، یاری می رسانند. این مردان ابراز می دارند که هدف آنان، ساختن افغانستانی است که زنان بتوانند بدون مورد آزار و اذیت قرار گرفتن در خیابانها قدم بزنند، افغانستانی که در آن زنان قربانی تجاوز جنسی، زندانی نشوند و مادران جوان در هنگام زایمان جان خود را از دست ندهند.

مردان فمینیست در جنبش جهانی برابری طلبانه علیه تبعیض جنسیتی، نقش به سزایی داشته اند. ایفای نقش مردان برابری طلب در افغانستان به دلیل شکاف جنسیتی عمیق بین زنان و مردان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

زنان عراقی از تشدید خشونت

هراس دارند

صدای آمریکا، ۱۰ ژانویه ۲۰۱۲ - زنان عراقی هنوز با عوارض سه جنگ از سال ۱۹۸۰ که شامل درگیریهای فرقه ای، حمله نیروهای ائتلاف خارجی و عملیات تروریستی می شود، دست و پنجه نرم می کنند. این جنگها سبب شده که هر زن عراقی حداقل یک خویشاوند خود را از دست دهد. آنها در حالی نگران آینده خود هستند که آداب و رسوم عراق هنوز زن را به عنوان فردی در خانواده می بیند که با وجود مشکلات می بایست از اعضای خانواده مراقبت کند.

خانم "جابر" که دارای شش فرزند است و پسرش به دلیل همکاری با نیروهای آمریکایی به قتل رسیده، خروج نیروهای آمریکایی از عراق را مثبت ارزیابی نمی کند. او که اکنون با فروش لباسهایی که خود می دوزد، امرار معاش می کند، ابراز می دارد که برخی با خروج نیروهای آمریکایی از عراق خواهد شد، زیرا نیروهای سیاسی عراقی متحد نیستند و عراق دارای دولتی پایدار نیست.

یک خانم آموزگار عراقی پیرامون همین مساله می گوید، مشکلاتی که نیروهای مذهبی ایجاد می کنند، بزرگترین مساله ای است که عراق با آن روبروست. وی ادامه می دهد: "رانت خواری، عدم امنیت و ویرانی اقتصادی، عراق را به صورت فزاینده ای می بلعد و هیچکس به فکر مردم نیست. هر کس به قدرت می رسد، قصد دارد ثروت کشور را سرقت کند و به منافع مردم فکر نمی کند. هیچکس به فکر ما نیست!"

بر اساس گزارش فعالان حقوق بشر عراقی، زنان نیز همچون دیگر اقشار و طبقات اجتماعی عراق از آینده هراس دارند و به توانایی دولت در جلوگیری از جنگهای فرقه ای که قادر است، عراق را دوباره به گرداب جنگ داخلی بکشاند، امید ندارند.

بقیه در صفحه ۱۷

اگرچه دادگاه عالی مصر حکم داده است که نیروهای نظامی و ارتش حق مداخله در اعتراضات صلح آمیز مردم را ندارند، اما در همین حکم به روشنی عنوان گردیده که اگر نیروهای نظامی و امنیتی احساس کنند که راهپیمایان و فعالان سیاسی قصد براندازی دولت را دارند، می بایست به هر طریقی از هرگونه فعالیت آنان جلوگیری شود. در همین رابطه یکی از فرماندهان ارشد ارتش مصر ابراز می دارد که پلیس و نیروهای امنیتی در چنین موقعیتی حتی حق دارند از سلاح گرم استفاده کنند و مخالفان را با آتش گلوله از پای در آورند.

با وجود سرکوب وحشیانه، زنان مصری با برگزاری راهپیماییهای متعدد و دست گرفتن پلاکاردهایی شامل تصاویر زنانی که توسط نیروی سرکوب در برابر دید همگان کتک خورده، یا برهنه شان کرده اند و یا به قتل رسیده اند، مقاومت می کنند. در همین رابطه، ارتش مصر برای تحقیر زنان معترض و خبرنگار، آزمایش باکره بودن را نیز در دستور کار قرار داده است. فیلمهای ویدیویی متعددی مبنی بر اعمال خشونت بیرحمانه ارتش مصر علیه زنان معترض در وب سایتی اینترنتی به معرض نمایش گذاشته شده است. به تازگی جهانیان شاهد صحنه های فجیعی از کتک خوردن دختر جوانی توسط ارتش مصر در میدان "التحریر" بودند. این دختر جوان که "عزا حیلان"، نام دارد، توسط سرکوبگران کتک زده شده، برهنه اش کرده و به دفعات مکرر توسط انبوهی از مردان نظامی مورد ضربات پوتین در ناحیه صورت، سر و بخشهای مختلف بدنش قرار گرفت. در برخی از ویدیوها به درستی دیده می شود که وقتی مردان نظامی به زنان حمله می کنند، لباس آنان را پاره می کنند و در موارد بیشماری با چنگ انداختن در موی سر زنان، آنها را مسافتی طولانی روی زمین می کشانند.

افغانستان کشوری دشوار حتی

برای مردان فمینیست

رویترا، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۱ - "فردوس صمیم"، دانشجوی دانشگاه کابل و فمینیست، ابراز می دارد که برایش بسیار مشکل است که مادر خود را متقاعد سازد که فعالیت او عملی با ارزش در جهان به حساب می آید. آقای "فردوس" ادامه می دهد که اشکال کار در افغانستان این است که برخی از زنان افغان در رابطه با مسایل زنان، مانند مردان مردسالار فکر می کنند. "فردوس صمیم" عضو یک گروه کوچک مدافع حقوق زنان در افغانستان

واکنش صحنه

گردانان نمایش

انتخاباتی در برابر

جبهه تحریم

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۲۰ دی بازیکران شعبده بازی انتخاباتی که قرار است در ۱۲ اسفند ماه برگزار شود در حالی پنجه بوکسهای خود را آماده می کنند که در جبهه فاتحان نمایش قبلی، شکاف عمیقی افتاده است. شرایط بحرانی فعلی آن چنان است که ولی فقیه خاطره تلخ خود از قیام مردمی را «جرزنی» در انتخابات می داند.

خامنه ای روز دوشنبه ۱۹ دی، مژده داد که نمایش ۱۲ اسفند با حضور «پر شور مردم» به روی صحنه خواهد آمد. ولی فقیه در حالی خود را امیدوار نشان می دهد که بسیاری از بازیگران قبلی از رینگ خارج شده اند. تعدادی هم که تمایل دارند در میان دست و پای صاحبان رینگ جای داده شوند در نمایش آینده به بازی گرفته نخواهند شد.

جنبش رنگین کمان مردمی با تسخیر خیابانها بر باطل بودن هر شعبده بازی انتخاباتی نقطه تاکید گذاشت. بر همین منظر جبهه تحریم نمایش انتخاباتی آن چنان گسترده است که رژیم پیشاپیش تعدادی را بازداشت نموده است.

حیدر مصلحی وزیر اطلاعات روز دوشنبه ۱۹ دی خبر از دستگیری افرادی داد که اتهام آنها «اجرای طرحها و برنامه های آمریکا در روند انتخابات مجلس» است. حیدر مصلحی انتخابات آینده را از «حساس ترین» انتخابات در دوران جمهوری اسلامی به شمار آورد.

در رویدادی دیگر روز یکشنبه ۱۸ دی، رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ اعلام کرد که «بیش از ۲۰۰ نفر در طرح امنیت محله محور» دستگیر شده اند. این نوع دستگیریها به بهانه برخورد با مواد مخدر، تشدید انتقاد و شناسایی افراد است.

با توجه به گستردگی جنبش تحریم، واکنش پاپوران رژیم در تهدید و ارباب مردم شدیدتر خواهد شد.

مسئول همه خشونت‌هایی که برای زرق و برق دادن این شوی انتخاباتی بر مردم و فعالان اجتماعی وارد شود ولی فقیه است. سخنان دیروز ولی فقیه شرایط را برای اعمال چنین خشونت‌هایی بر مخالفان انتخابات اسفند ماه آماده می سازد. مسلم است که گستردگی جبهه تحریم بازیگران را در اجرای نمایش خود هر چه بیشتر ناموفق خواهد کرد.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶

روز ملی زنان کارگر در

پاکستان

رویتر، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۱ - وزیر حقوق بشر با فرا رسیدن روز ملی زنان کارگر در پاکستان، همه مردم را به شرکت در راهپیمایی به سوی پارلمان کشور جهت برجسته کردن مبارزه زنان کارگر فرا خواند. زنان پلیس، کارمندان بخش خدمات اجتماعی و کشاورزان زن از شهرها و روستاهای مختلف پاکستان در این راهپیمایی شرکت کردند. وزیر حقوق بشر پاکستان عنوان کرد که درصد زنان شاغل در مجموع نیروی کار کشور در سالهای اخیر با افزایش چشمگیری روبرو بوده که این مساله قابل ستایش و قدردانی است.

بسیاری از سازمانها و تشکلهای مدافع حقوق کارگران نیز در این راهپیمایی شرکت جستند تا روز ملی زنان کارگر را جشن بگیرند. زنان پاکستانی با وجود موانع بیشماری که بر سر راه دارند، تلاش کرده اند تا با مشارکت در بازار کار، جایگاه خود را در پیشرفت اقتصادی کشور به اثبات رسانند و بدینگونه نقش خود را به میزان قابل توجه ای افزایش داده اند. مدیر یکی از تشکلهای مدافع حقوق زنان و کارگران معتقد است که افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی کشور نشان می دهد که اگر آنها به طور جدی تصمیم بگیرند کاری بکنند، موفق خواهند شد. زنان می بایست همه موانع بر سر راه مداخله گری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را از بین ببرند. افزون بر این، زنان پاکستان همواره در تاریخ این کشور نقش بسیار عمده ای در جنبشهای آزادیخواهانه ایفا کرده اند و در صف اول مبارزه جهت دستیابی به رهایی قرار داشته اند.

استفاده مرگبار از گاز اشک آور

علیه تظاهرکنندگان زن

بحرینی

شبکه خبری زنان، ۲ ژانویه ۲۰۱۲ - "مرکز حقوق بشر" در بحرین در رابطه با اعمال خشونت علیه تظاهرکنندگان و فعالان سیاسی توسط نیروهای سرکوبگر دولت بحرین و استفاده از گاز اشک آور با مواد شیمیایی اعلام ناراضیتی و نگرانی شدید کرده است.

بر اساس گزارش "سازمان بهداشت جهانی"، استفاده از گاز اشک آور خطرات بسیار جدی برای افراد مورد اصابت قرار گرفته خواهد داشت. در همین رابطه، حداقل یک زن به نام "زینب" بر اثر صدمات گاز اشک آور

حاوی دی اکسید کربن، جان خود را از دست داده است.

زنان در کوزوو خشونت خانگی را

گزارش نمی کنند

شبکه خبری زنان، ۳ ژانویه ۲۰۱۲ - سالانه بیش از هزار نفر به طور رسمی خشونت خانگی را به ماموران دولتی کوزوو گزارش می کنند که از این تعداد، چهار نفر زن هستند.

فعالان حقوق زنان اعلام می دارند که شمار زنانی که مورد خشونت قرار می گیرند، بسیار بیشتر از آمار فوق است. این در حالیست که جمعیت کوزوو زیر دو میلیون نفر است. بر اساس گزارشهای دیگر، بیش از هشتاد درصد آنانی که آماج خشونت قرار می گیرند، زن هستند. معضل خشونت خانگی در بخشهای روستایی بسیار رایج است که وضعیت بد اقتصادی و عدم تحصیلات کافی از جمله دلایل آن به حساب می آید.

مشارکت زنان لهستانی در نیروی

کار

بیزینس جورنال، ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱ - بر اساس گزارش یک کارشناس اقتصادی "بانک جهانی"، زنان لهستانی از نظر سلامت، تحصیلات و مشارکت در نیروی کار، در حد زنان کشورهای عضو اتحاد مشترک اروپا قرار دارند. اما مساله بسیار متفاوت این است که زنان لهستانی بسیار زودتر از زنان اروپایی مایل به بازنشستگی از کار هستند. اکنون تنها ۲۳ درصد از زنان ۵۵ تا ۶۴ ساله مشغول به کار بیرون از خانه هستند. این میزان ۲۰ درصد پایین تر از نرخ متعارف آن در سایر کشورهای اروپا می باشد. بر اساس این گزارش عوارض این امر برای اقتصاد کشور لهستان گران تمام خواهد شد.

افزون بر این، زنان لهستانی با بازنشستگی زودرس، به طبقه محروم جامعه می پیوندند، زیرا زنان بازنشسته از مزایا و حقوق بسیار پایین تری نسبت به مردان بازنشسته برخوردارند.

زنان سومالیایی به عنوان غرامت

جنگی

شبکه خبری زنان، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۱ - کشور سومالی طی دهه های متمادی دستخوش مشکلات و فجایع گوناگونی بوده است، به طوری که شهرهای این کشور ویران و مردم آن در گرسنگی مفرط زندگی را سپری می کنند. تنها امسال، دهها هزار نفر به دلیل قحطی جان باخته و تعداد بیشماری در درگیریهایی بیرحمانه کشته شده اند.

افزوده بر آن، کشور سومالی با معضل رایج تجاوز به زنان و آزار و اذیتهای وحشیانه جنسی روبروست. گروه مسلح "شباب" که مدعی و خواهان استقرار "اسلام ناب" می باشد، از زنان به عنوان غرامت جنگی استفاده می کند.

بر اساس گزارش سازمان ملل، گروه مذکور زنان قربانی را در جنوب کشور به طور وحشیانه توسط گله مردانش مورد تجاوز و یا آزار و اذیتهای جنسی قرار می دهد. مساله تجاوز به زنان تنها در گروه اسلام گرای "شباب" رایج نیست، بلکه سایر گروههای متعدد مذهبی نیز به این عمل ددمشانه مبادرت می ورزند. این گروهها، زنانی که مسافتهای طولانی جهت دستیابی به مواد غذایی را با پای پیاده طی می کنند و یا در این مسیر گم می شوند را به دام انداخته، مورد تجاوز جنسی قرار می دهند و به طرز وحشیانه ای به قتل می رسانند. این عمل وحشیانه و متحجرانه نه تنها توسط گروههای مسلح مذهبی بلکه، توسط سربازان دولتی نیز انجام می شود.

قحطی و گرسنگی سبب نقل مکان بسیاری از محل مسکونی خود شده است. بدین ترتیب، زنان بیشتری از مناطق حفاظت شده خارج می شوند. به موازات افزایش گرسنگی و آوارگی، میزان تجاوزات جنسی نیز با رشد دردناکی روبروست. بر اساس گزارشها، در برخی موارد از زنان به عنوان طعمه برای شکار حیوانات نیز استفاده شده است.

ماموران سازمان ملل عنوان می کنند که تنها در دو ماه اخیر بیش از ۲۵۰۰ مورد آزار و اذیت جنسی و تجاوز به آنان گزارش شده است. قربانیان تجاوز جنسی اعلام کرده اند که گروه "شباب" از مردان مسلح عرب استفاده کرده و به همین دلیل زنان مورد تجاوز قرار گرفته توسط اینان نوزادانی به دنیا آورده اند که مشخصات سومالیایی و عرب را دارا هستند.

گروه "شباب" که قصد دارد با اسلامی بنیادگرا قدرت را در دست بگیرد، دیگر قادر به پاسخگویی به مطالبات مردان جوان مسلح خود نیست. بدین ترتیب، ترم "زنان موقت" را طرح کرده است و مردان مسلح مجازند زنان سومالیایی را در هر جا که می توانند و می خواهند، به اجبار به عقد خود در آورند. این "ازدواج" به هیچ وجه شبیه به مراسم مرسوم که شخص مذهبی عقد را به ثبت می رساند، نیست. در بسیاری از این مراسم مضحک، زنان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و با تنی کتک خورده رها می شوند و یا این که موفق می شوند که فرار کنند. مراکزی که برای حمایت از قربانیان تجاوز جنسی از سوی افراد و نهادهای نیکوکار دایر شده، به ویژه بعد از شیوع قحطی و افزایش تجاوز جنسی دیگر قادر به تامین حمایت از همه قربانیان نیست. قابل توجه است که برخی از قربانیان تجاوز جنسی سنی کمتر از ده سال دارند.

کشور سومالی دارای یک جامعه بسیار سنتی است. بر همین اساس، تقریباً ۹۸ درصد از دختران تحت عمل ختنه قرار می گیرند و اکثریت زنان و دختران به دلیل محرومیت، بیسواد هستند. اندام آنان همه عمر در پوشش سیاه و زمختی پوشانده شده، به طوری که شاید حتی آفتاب نیز چهره آنان را تا کنون ندیده باشد.

رویدادهای هنری آذر ماه

چند شعر کوتاه برای نشریه

نبرد خلق

م. وحیدی، از قرارگاه اشرف،
آذر ۱۳۹۰

ریشه ها

خاستن، زیبایی بود
رویدن
که از تراکم عشق می جوشید
صدای وزش بود
سنگی
برشاخسار سبز حوادث
که دشنه های شهر را صیقل می داد
ریشه هایی که روز را
در کشاکش خورشیدها
نمی بیند
خاکستر شد
در سنگلاخ پر ریخته را
یادت هست؟

جوانه می زند
زمین چگونه از پرتگاه حضورت
بر خاک افتاد

نقش تو

وطپیان
نفسهای تو
با خون و جنون همزاد شد
مرا شرح می داد
یادت هست؟
وقتی که پژمردگی شانه هابیم

از فاصله پر می شد
طرح

و خستگی
رویای من
تندیس سالهای خالی ام بود
کدامین خطوط بود
که از دایره وقت خالی می گذشت

حقانیت

و شعر مرا
افسانه ای که خواندم
در شعور ناب آوازهای تو
خود را
بارور می کرد
از دریچه زمان
پنجره های شعر
خلق آویز کرد

خیابان را
تا حقیقت زمین را
به هیاهو می خواند
اعتبار بخشد
یادت هست؟

سینما

وزارت ارشاد خانه سینما را منحل کرد



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارسال نامه ای به "خانه سینما"، این نهاد را منحل اعلام کرد. شورای عالی سینما هم که برخی کارشناسان معتقدند از سوی دولت به موازات "خانه سینما" ایجاد شده است، بر غیر قانونی بودن فعالیت "خانه سینما" و انحلال "قرب الوقوع" آن تاکید کرده بود. در همین حال فرهاد توحیدی، رییس هیات مدیره خانه سینما نیز اعلام کرد که "خانه سینما" را نمی توان منحل کرد.

اطلاعیه فرهنگسرای پویا در

باره انحلال خانه سینما

فرهنگسرای پویا در فرانسه، پیرامون انحلال "خانه سینما" اطلاعیه ای منتشر کرده که بخشهایی از آن را در زیر می خوانید:

پس از دستگیری و زندانی نمودن هشت تن از سینماگران عضو خانه سینمای ایران و بازجویی بیش از شصت تن از سینماگران در دو ماه گذشته، با غیرقانونی خواندن خانه سینما از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، موج تازه ای از یورش به سینماگران ایران آغاز شده است. حکومت توتالیتر مدنی مانند احزاب، سندیکاها، اصناف و انجمنها را پی می گیرد، هم اکنون کنترل سینما و سینماگران یکی از اهداف اصلی سرکوب آن شده است.

بیش از ۵۰۰۰ سینماگر ایرانی در قالب ۲۹ صنف سینمایی، جامعه ی اصناف سینمای ایران یعنی، "خانه سینما" را تشکیل می دهند. از جمله مهمترین اصناف سینمایی، کانون کارگردانان، شورای عالی تهیه کنندگان، انجمن

فیلمنامه نویسان، انجمن مستند سازان و انجمن بازیگران می باشند. بیابنه صنوف سینمایی درباره اعلام انحلال خانه سینما نخستین واکنش اهالی سینما به سیاستهای سرکوبگرانه دولت ایران است. این بیانیه را روسای ۲۴ صنف به نمایندگی از صنوفشان امضا کرده اند.

در شرایطی که فیلمسازان سینمای ایران سالها نظارت و سانسور را تجربه کرده اند و بعضاً دچار حتی خودسانسوری هستند، ایجاد محدودیتهای جدید و جدی تر، حکایت از ترس حکومت جمهوری اسلامی دارد.

فیلم "جدایی نادر از سیمین"، برنده گلدن گلوب و واکنش

جمهوری اسلامی

فیلم "جدایی نادر از سیمین" که از سال گذشته تاکنون معتبرترین جوایز سینمایی دنیا را از آن خود کرده است، موفق شد جایزه بهترین فیلم خارجی زبان شصت و نهمین دوره جوایز سالانه "گلدن گلوب" را دریافت کند. همچنین آکادمی اسکار نیز "جدایی نادر از سیمین" را در فهرست کوتاه نامزدهای این جایزه در بخش فیلمهای خارجی، در کنار هشت فیلم دیگر قرار داد.



رژیم جمهوری اسلامی نیز اگرچه برای مدتی از ساخت فیلم آقای فرهادی جلوگیری کرده بود، این موفقیت را به وی تبریک گفت. خبرگزاری فارس در باره دست دادن فرهادی با "انجلینا جولی" نوشت که او از عرف دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران اطلاع ندارد و مسوولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم این روابط را به او یاد نداده اند.

نکته شایان توجه در این است که آقای فرهادی هنگام دریافت جایزه گفت: "مردم کشور من مردمی حقیقتاً دوست داشتنی هستند" اما برخی از رسانه های فارسی زبان به دلایل معلوم، جمله مزبور را دستکاری و به

لیلا جدیدی

سخن روز:
-هیچکس مخالف آزادی نیست؛ نهایت امر، مخالف آزادی دیگران است! (کارل مارکس (۵ مه ۱۸۱۸ - ۱۴ مارس ۱۸۸۳)، متفکر انقلابی، تاریخ و اقتصاد دان آلمانی)
- برهنه ات می کنند تا بهتر شکسته شوی؛ ترس گردوی کوچک! آنچه سیاه می شود، روی تو نیست، دست آنهاست!
!... (حمید مصدق (۹ بهمن ۱۳۱۸ - ۷ آذر ۱۳۷۷)، شاعر و حقوقدان ایرانی)

جای "دوست داشتنی"، صفت "صلح دوست" را جا گذاری کرده اند.

نقدی بر فیلم جدایی نادر از سیمین از زبان یک منتقد آمریکایی

"اسکات هنری"، یک منتقد هنری آمریکایی در باره فیلم "جدایی نادر از سیمین" نوشت: "علت این که رژیم ایران مشکلی با این فیلم نداشته این است که آنقدر دست اندرکاران آنان احمق هستند که نفهمیدند اگر چه به نظر خودشان این نوع زندگی عادی به نظر می رسد، ولی برای تماشاگر غربی ذلت بار است. این فیلم صحنه دادگاهی را نشان می دهد که نمایانگر سیستم قضایی مربوط به قرن نوزدهم است. همچنین هنگامی که نادر برای جرمی جدی و جنایی محاکمه می شود، اساس دادگاه او بر اتهاماتی گذاشته شده که بدون تحقیقات پلیسی و جمع آوری شواهد طرح گردیده و از سوی کسانی عنوان می شود که سوگند ادا نکرده اند."

وی می افزاید: "در مجموع این فیلم نشان دهنده جامعه ای عمیقاً ناکارآمد است که در آن زنان بدون اجازه همسران شان نمی توانند کاری کنند، سیستم قضایی آن شبیه یک جوک است و اختلافات با پرداخت "پول خون" حل و فصل می شود. همین که دولت ایران تصور می کند که این فیلم تصویر مناسبی از زندگی در تهران را برای تماشاگر خارجی به نمایش گذاشته، خوفناک است. و سرانجام، درست است که در کشور ما هم اشکالاتی در جامعه وجود دارد، اما همین که در جمهوری اسلامی ایران، زنان، انسان درجه دوم به حساب می آیند، فراتر از هر معضلی است."

تحریم جشنواره فجر از سوی

فستیوالهای بین المللی

بنا به گزارش فرهنگسرای پویا در پاریس، تعدادی از فستیوالهای بین المللی فیلم از جمله جشنواره جهانی کن (فرانسه)، جشنواره ونیز (ایتالیا) و فستیوال بین المللی لوکارنو (سوئیس) که از جمله معتبرترین جشنواره های بین المللی هستند، دعوت جمهوری اسلامی برای شرکت در جشنواره دولتی فیلم فجر را رد کردند.

بقیه در صفحه ۱۹

نقاشی

تابلوی پیکاسو در هفت دقیقه به سرقت رفت

تابلوی "سر زن"، اثر "پیکاسو" که خود در سال ۱۹۴۹ و به نشانه قدردانی از مقاومت یونان در برابر نازیها به گالری ملی آتن هدیه داده بود، به همراه دو اثر ارزشمند هنری دیگر به سرقت رفت.



پلیس یونان در بیانیه‌ای اعلام کرد، علاوه بر این اثر "پیکاسو"، یک نقاشی از "موندریان"، نقاش هلندی و همین طور طرحی از "کولیمو کاجا"، هنرمند ایتالیایی نیز ربوده شده است.

به گفته پلیس، این دزدی در آخرین روز از برگزاری نمایشگاهی با عنوان "کنجهای ناشناخته" با آثاری از "البرشت دورر"، هنرمند آلمانی و "رامبراند"، نقاش هلندی رخ داده است.

کتاب

لذت بخش ترین کتابها، برندگان جایزه کتاب کاستا ۲۰۱۱ اعلام شدند

"اندرو میلر" با رمان "ناب"، جایزه بهترین رمان و "کارول ان دافی"، با مجموعه اشعار "زنبورها"، برنده جایزه شعر از مجموعه جوایز ادبی "کاستا" در سال ۲۰۱۱ شدند.

معیار انتخاب داوران برای اهدای جایزه کتاب "کاستا"، "لذت بخش ترین" کتابهایی است که نویسندگان ساکن بریتانیا و ایرلند جنوبی در یک سال گذشته نوشته اند. این جایزه هر سال در ۵ رشته رمان، رمان اول، زندگینامه، شعر، و کودک اهدا می شود.

رمان "ناب" اثر "اندرو میلر" روایتی است از انقلاب فرانسه. مجموعه شعر "زنبورها" تازه ترین اثر "کارول ان دافی" و اولین کتابی است که پس از دریافت لقب "ملک الشعرا بریتانیا" در سال ۲۰۰۹ از او منتشر شده است. جایزه کتاب کودکان "کاستا" در سال ۲۰۱۱ به "موریا یانگ"، خواننده سابق اپرا با نخستین کتابش "جاده ای به رنگ سرخ خون" رسید.

رمان "کوری" ژوزه ساراماگو ممنوع شد

دو ترجمه ی فارسی رمان "کوری"، اثر "ژوزه ساراماگو"، نویسنده پرتغالی و برنده نوبل ادبیات توقیف شده است. این رمان بارها با چهار ترجمه متفاوت منتشر گشته و اکنون مترجمان آن با مشکل انتشار مجدد آن روبرو هستند.

رویدادهای هنر ماه

بقیه از صفحه ۱۸

جشنواره های نامبرده علت عدم شرکت خود را همبستگی و حمایت از سینماگران و شرایط نامناسب جامعه ایران توصیف کرده اند. قابل توجه است که چند فیلمساز وابسته به حزب نهضت اسلامی، حزب شیخ "راشد الغنوشی" تونس راهی تهران خواهند شد.

فیلم "بانوی آهنین" در باره زندگی مارگارت تاچر

نخست وزیر انگلیس از ساخت فیلم "بانوی آهنین" که در آن زندگی سیاسی "مارگارت تاچر" به تصویر کشیده شده، انتقاد کرد. فیلم پرسروصدای "بانوی آهنین" که در آن



"مریل استریپ"، هنرمند سرشناس آمریکایی نقش "مارگارت تاچر" را بازی کرده است، در سینماهای انگلستان به اکران در آمد.

"دیوید کامرون"، نخست وزیر انگلیس از ساخت این فیلم که در آن "مارگارت تاچر" یک پیرزن آسیب پذیر نشان داده شده، ابراز نارضایتی کرد و با وجود ستایش از نقش آفرینی "مریل استریپ" اضافه کرد، درحالی که "مارگارت تاچر" هنوز زنده است و از اختلال ذهنی رنج می برد، نباید چنین فیلمی ساخته می شد.

"استریپ" ۶۲ ساله که برای این فیلم شانس اصلی کسب اسکار محسوب می شود، با ۱۶ بار نامزدی جایزه اسکار از این لحاظ رکورددار تاریخ سینما محسوب می شود.

موسیقی

خواننده سنگالی، نامزد ریاست جمهوری

"یوسون دور"، خواننده صاحب نام و پر طرفدار سنگالی از قصد خود برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری این کشور خبر داد. "یوسون دور" می گوید: "درست است که من تحصیلات عالی ندارم، اما برای رییس جمهور بودن نیاز به تحصیلات آکادمیک نیست. رییس جمهوری یک وظیفه است و نه یک شغل". وی یک چهره بین المللی است و از سرشناس ترین اتباع سنگال است که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز طرفدار دارد.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهائمی

هیات دبیران: منصور امان، جعفر پویه، لیلیا

جدیدی، زینت میرهائمی

هیات تحریریه: لیلیا جدیدی، منصور امان،

زینت میرهائمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه،

مهدی سامع

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد

خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

۲۰ یورو

فرانسه

۲۴ یورو

اروپا معادل

۳۶ یورو

آمریکا و کانادا

۴۰ یورو

استرالیا

۱ یورو

تک شماره

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز

ایران و جهان، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (راديو پيشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

مالکی توافق دولت عراق با سازمان ملل

درباره اشرف را به کلی زیر پا گذاشت

• مالکی به خواست فاشیسم دینی، با اعلام ۱۲۶ حکم دستگیری برای ساکنان اشرف و متهم کردن آنها به تروریسم، جنایتهای بیرحمانه در داخل عراق و قتل شخصیت‌های سیاسی و مذهبی در ایران، توافق با ملل متحد را به کلی زیر پا گذاشت

• خانم رجوی برای سومین بار به منظور نجات راه حل مسالمت آمیز، به تشکیل یک کنفرانس بین المللی با شرکت نماینده ویژه دبیرکل و وکلا و نمایندگان اشرف، دولت عراق، دولت آمریکا، اتحادیه اروپا، کمیسر عالی پناهندگان، کمیسر عالی حقوق بشر و پارلمان اروپا فراخوان داد و از دبیرکل و شورای امنیت ملل متحد خواستار اقدام بلادرنگ در این خصوص شد.

مالکی، نخست وزیر عراق، در روز ۲۲ دی در مصاحبه با رسانه های رژیم ایران که به طور گسترده از شبکه های رادیو-تلویزیون و مطبوعات ملایان پخش شد، با همان فرهنگ و کلمات ننگین رژیم ایران گفت:

«منافقین یک گروهک کاملاً تروریستی هستند... و تأکید داریم تا کمتر از چهار ماه دیگر هیچ منافقی در عراق باقی نخواهد ماند و بعد از آن هم اردوگاه اشرف بسته و زمین آن نیز به صاحبانش بازگردانده می شود.» (تلویزیون سراسری - شبکه ۱ رژیم)

«ما دیگر حضور مجاهدین خلق را در خاک عراق تحمل نمی کنیم، این یک گروه تروریستی طرد شده بین المللی است، که نه تنها دست به قتل شخصیت‌های سیاسی و مذهبی در ایران زده است بلکه در عراق نیز دارای سابقه خونینی است ... مجاهدین خلق جنایات بیرحمانه یی در داخل عراق انجام داده است، تا به امروز ما ۱۲۶ حکم دستگیری برای عناصر مجاهدین خلق در داخل کبک اشرف دریافت کرده ایم، که متهم به ارتکاب جنایات هولناکی می باشند» (پرس تی وی - تلویزیون انگلیسی زبان ملایان).

«دادگاه عراق حکم بازداشت ۱۲۱ تن از اعضای منافقین به اتهام دست داشتن در امور تروریستی را صادر کرده است و این افراد هم چنان در اشرف هستند» (واحد مرکزی خبر ملایان و خبرگزاری فارس متعلق به سپاه پاسداران).

از این پیشتر مقاومت ایران در اطلاعیه های ۱۲ و ۱۹ ادیمه درباره تلاشهای

کابوس اشرف

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۲۶ دی

در تازه ترین اقدام مالکی در هماهنگی با رژیم جمهوری اسلامی، یادداشت تفاهم ۴ دی با نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل با اعلام قصد دستگیری ۱۲۶ تن از ساکنان کمپ اشرف زیر پا گذاشته شده است. طبیعی است که جمهوری اسلامی در حول و حوش انتخابات نمایشی که در برابر نه تنها گسترش جنبش تحریم بلکه، گسترش تحریمها و فشارهای بین المللی نیز قرار گرفته، برای حذف کابوس اشرف و به خیال خود، حذف مقاومتی سازمان یافته، چنگ و دندان بیشتری نشان بدهد.

نخست وزیر عراق از طریق تلویزیون رژیم ادعا کرد: «منافقین یک گروهک کاملاً تروریستی هستند... و تأکید داریم تا کمتر از چهار ماه دیگر هیچ منافقی در عراق باقی نخواهد ماند.»

او همچنین از توطیه موازی دیگری برای حذف فیزیکی ساکنان اشرف پرده برداشت و اعلام کرد: «دادگاه عراق حکم بازداشت ۱۲۱ نفر از اعضای منافقین به اتهام دست داشتن در امور تروریستی را صادر کرده است.»

از سوی دیگر، رژیم نیز برای از سر راه برداشتن مقاومت سازمان یافته از صدور حکم اعدام برای اعضای خانواده ساکنین اشرف به اتهام واهی «مخاربه» کوتاهی نمی کند. از جمله این زندانیان سیاسی، جواد لاری به اتهام سفر به اشرف، علی معزی به اتهام دیدار با دو فرزندش و شرکت در مراسم خاکسپاری محسن دگمه چی هستند. همچنین محسن و احمد دانشپور و عبدالرضا قنبری که در جریان قیام ۸۸ بازداشت شدند و زندانی سیاسی، غلامرضا خسروی سواد جانی، به اتهام کمک مالی به مجاهدین از دیگر زندانیانی هستند که رژیم کمر به قتل آنها بسته است.

روشن است که مالکی و رژیم منزوی و درمانده خامنه ای به سادگی زیر بار انتقال مسالمت آمیز ساکنان اشرف به یک کشور دیگر که امنیت آنها را تضمین کند، نخواهند رفت. وقتی پای حفظ قدرت، ثروت و حکومت در میان باشد، برای دیکتاتورها

شهدای فدایی

بهمن ماه

رفقا: ابراهیم پور رضا خلیق - سعید پایان - فتحعلی پناهیان - منیژه اشرف زاده کرمانی - محمد طاهر رحیمی - محسن بطحایی - عبدالمجید پیرزاده جهرمی - مسعود پرورش - فاطمه اقدرنیا - جعفر محتشمی - پوران یداللهی - مصطفی ذفیفق همدانی - انوشه فضیلت گلاد - کیومرث سنجر - حسن فرجودی - حسین چوخاجی - کاووس رهگذر - جهانگیر قلعه میانداوب (جهان) - فرشاد مرعی - حمید مؤمنی - محمدعلی خسروی اردبیلی - قاسم سیادت - بابک سیلابی - خسرو پناهی - مهدی اقتدارمنش - محسن نیک مرام - بهروز عبدی - محمدجواد عرفانیان - محمدامین نروائی - اکبر پارسی کیا - عباس تیریزی - مسعود رحمتی - حسن محمدپور - علی نوروزی - بهنام قاسم زاده رضوی - جعفر (حر) رضایی - ابراهیم کردی - مراد میرزایی - اسد یزدانی - اسماعیل برزگر - فریدون بانه ای - فاطمه محمدی - محسن نوربخش - حسن توسلی - فردوس آقا ابراهیمیان - میرمحمد درخشنده (توماج) - عبدالکریم محتوم - واحدی - حسین جرجانی - حمیدرضا هزارخانی - خسرو گلسخی - کرامت دانشیان - در مبارزه فخرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی امپریالیسم و ارتجاع و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالیهای ۱۳۴۹ تاکنون به شهادت رسیده اند.

قراردادها، توافقا و میثاقهای بین المللی کاغذ پاره ای بیش نیست. از این رو نه تنها می بایست مسوولین اصلی، سازمان ملل، آمریکا و اروپا که خود را ملزم به این قراردادها می دانند را تحت فشار قرار داد، بلکه با پافشاری همه جانبه از سوی همه نیروهای مخالف رژیم بر حقوق ساکنین اشرف خاطر نشان کرد که مطالبه عدالت و آزادی همگانی و سراسری است و تحت هر شرایطی مقاومت و مبارزه برای آن تا پیروزی ادامه خواهد داشت